

انتر ناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۴۰

شنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۴، ۲۰۲۵

**بیانیه حزب کمونیست کارگری در مورد شرایط خطرناک حاضر
غرب‌ستیزی و جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی را بر
سرش خراب کنیم!**

قرون وسطی در قرن بیست و یکم

گفت‌وگو با حمید تقوایی

صفحه ۲

“کوله زندگی” طرح حکومت در قبال بحران و جنگ

شهلا دانشفر

صفحه ۳

مونیخ: نمایش لخت‌و‌عور جنبش سلطنتی

کاظم نیک‌خواه

صفحه ۵

حکومت اعدام را

با اتحاد بزرگ مردمی زمین گیر کنیم!

حسن صالحی

صفحه ۶

آنچه در مونیخ گذشت

آنچه در کردستان گذشت

مهران محبی

صفحه ۷

سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

صفحه ۸

حدود پنج هفته پس از آتش‌بس در جنگ ۱۲ روزه جمهوری اسلامی همچنان به سیاست‌های جنگ‌افروزان خود ادامه می‌دهد. حکومتی که در اثر ضربات نظامی و سیاسی ناشی از این جنگ بیش از پیش رسوا و بی‌آبرو و درمانده شده است چاره را در پافشاری بر سیاست‌های استراتژیک و هویتی غرب‌ستیزانه خود می‌بیند.

از سوی دیگر رژیم با ابربحران‌های بی‌آبی و بی‌برقی و تورم و ناتوانی از تأمین حداقل ملزومات زندگی مردم مواجه است. بحران‌های تشدیدشونده‌ای که بیش از هر زمان زمینه را برای اوج‌گیری مجدد جنبش زن زندگی آزادی فراهم آورده است. مردم با شعارهایی چون دشمن ما همین جاست دروغ می‌گویند آمریکاست، غنی‌سازی زندگی حق مسلم ماست، آب برق زندگی حق مسلم ماست، و زن زندگی آزادی دوباره به میدان آمده‌اند و چشم‌انداز تاریکی در برابر جانیان حاکم قرار داده‌اند. در این شرایط حکومت رسوا و درمانده تلاش می‌کند با چنگ‌انداختن به ریسمان ناسیونالیسم و ایرانیت و "دفاع از وطن در برابر تهاجم دشمن" خود را از مهلکه نجات دهد. تلاش می‌کند با زنده نگاه‌داشتن فضای جنگ و تخاصم توجه‌ها در ایران و در جهان را همچنان به مسئله جنگ و مذاکره معطوف نگاه دارد. استراتژی آمریکا و اسرائیل ستیزی امروز برای رژیم کاربرد مشخص تاکتیکی یافته است. تاکتیک تحت‌الشعاع قراردادن مسائل لاینحلش زیر سایه سیاه جنگ.

اکنون برای حکومت در حال سقوط جمهوری اسلامی، همانطور که خامنه‌ای و مقامات رژیم بارها تأکید کرده‌اند، نفس بقا و عدم فروپاشی در جنگ ۱۲ روزه پیروزی محسوب می‌شود! برخورد کج‌دارومریز به ازسرگیری مذاکرات با آمریکا و به مکانیسم ماشه و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای و پافشاری بر غنی‌سازی به‌عنوان افتخار و غرور ملی، همه از جمله آخرین تلاش‌های جمهوری اسلامی برای بقا و حفظ خود در قدرت است. بقای حکومتی که مطلقاً راه‌حلی برای بی‌آبی و بی‌برقی و تورم نجومی و نابودی زندگی مردم ندارد و به‌جز ادعاهای رنگ‌باخته ضد آمریکائی و ضد اسرائیلی و آویزان شدن به پروژه هسته‌ای مفر دیگری از بن‌بستی که به آن گرفتار آمده نمی‌بیند. این تاکتیک در قبال اسرائیل و آمریکا نیست، بلکه اساساً تاکتیک در جنگ با مردم است.

باید در برابر این سیاست ایستاد و تعرض جامعه به جمهوری اسلامی و جنگ‌افروزی‌هایش را گسترده‌تر کرد. باید فضای اعتراضی جامعه را چنان آماده ساخت که مردم قادر باشند در هر تحول و نقطه عطفی، با یا بدون جنگ، مهر خود را بر تحولات بکوبند.

مقابله با استراتژی غرب‌ستیزی و سیاست‌ها و اقدامات ناشی از آن می‌تواند و

باید به عرصه مهمی از مبارزه برای سرنگونی حکومت و جنبش زن زندگی آزادی تبدیل شود. ادامه در صفحه ۴

قرون وسطی در قرن بیست و یکم

گفت و گو با حمید تقوایی



عقلانی" و "اعدام با جرثقیل" به دست خانواده قربانیان صحبت کردند، پوستر پرویز ثابتی و تجلیل از ساواک را به نمایش گذاشتند، و شاهزاده‌شان را خدای قابل پرستش و عبودیت، و تاج سر و پدر مردم ایرانی معرفی کردند. این بیشتر به مناسک فرقه‌ها و "کالت"‌های مذهبی - نژادی شبیه بود تا یک گردهمایی سیاسی. به نظر من خصلت و ماهیت اپوزیسیون سلطنت طلب چیزی جز این نیست. آنچه در همایش مونیخ رخ داد تنها این بود که لیبرال پناهی عاریتی‌شان را کنار گذاشتند و حرف دلشان را زدند.

سلطنت طلبان مدام نظام‌های پادشاهی در کشورهای غربی را به رخ می‌کشند و شاهشان را "شخصیتی نمادین" برای حفظ وحدت ملی و غیره معرفی می‌کنند. اما همایش مونیخ بیشتر نماینده بندگی ملی بود تا وحدت ملی! پادشاهی خواهان جمهوری خواه و جمهوری خواهان پادشاهی خواه با کرنش در برابر شاهزاده‌شان بیش از هر چیز وحدت در عبودیت را به نمایش گذاشتند. این همایش نشان داد سلطنت طلبان ایران از ارتجاعی‌ترین نیروهای سیاسی در کشورهای غربی عقب مانده‌ترند. اگر مراسمی شبیه همایش مونیخ از سوی یک نیروی سیاسی در انگلستان و یا سوئد و یا هر نظام سلطنتی اروپایی برگزار می‌شد بی تردید با اعتراض حتی افراطی‌ترین رویالیست‌ها روبرو می‌شد. رویالیست‌های وطنی ما سال‌ها در آمریکا و اروپا زندگی کرده‌اند و از دموکراسی و حقوق بشر دم می‌زنند؛ اما حتی از ابتدائات لیبرال دموکراسی بوی نبرده‌اند. همایش مونیخ هم در فرم و هم محتوا یک رخداد قرون وسطایی بود تا یک پدیده قرن بیست و یکمی.

اجازه بدهید در مورد بحث فراندوم نیز توضیحی بدهم. رضا پهلوی و طرفدارانش، مانند دواخردادی‌های طرفدار موسوی، بر فراندوم و مراجعه به رأی مردم برای تعیین نظام آتی تأکید می‌کنند. این ظاهراً بیانگر آزادی خواهی این جریان است، اما در واقع هیچ نشانه‌ای از آزادی خواهی ندارد. تأکید بر فراندوم برای تعیین نظام بدیهیتی است که اولاً حداکثر تفاوت گوینده از طرفداران کودتا را نشان می‌دهد و ثانیاً هیچ چیز در مورد مضمون سیاست‌ها و برنامه و اهداف طرفداران فراندوم نمی‌گوید. در شرایط امروز ایران تأکید بر رأی مردم برای تعیین نظام آتی به آن می‌ماند که در انتخابات در لیبرال دموکراسی‌های غربی نیروی با شعار "مردم تعیین خواهند کرد" وارد انتخابات شود؟! این توضیح واضح است و هیچ چیز در مورد مضمون آنچه مردم باید به آن رأی بدهند نمی‌گوید.

این فراندوم پناهی توخالی با وضعیت بلاتکلیف پادشاهی خواهان و مواضع گنگ و گاه متناقض شاهزاده‌شان کاملاً خوانایی دارد. هنوز پادشاهی خواهان نمی‌دانند قرار است شاهزاده‌شان حکومت کند و یا سلطنت، قرار است پدر ملت باشد یا معبود ملت، قرار است انتخابی باشد یا موروثی، دوره‌ای باشد و یا مادام‌العمر، و بالاخره شاهزاده‌شان جمهوری خواه است و یا پادشاهی خواه! این گیج‌سری و بلاتکلیفی تصادفی نیست. به جامعه‌ای که یک بار با نظام سلطنت تعیین تکلیف کرده است، و امروز از بازنشسته تا نسل زده‌اش خدا را بنده نیست، گذشته را به عنوان آینده وعده‌دادن خریداری ندارد. فراندوم پناهی و "هر چه مردم بگویند" ظاهراً قرار است این مشکل را علاج راحل کند.

نکته اساسی این است که کل این کمدی - تراژدی در برابر جامعه‌ای به نمایش در می‌آید که مشقت به آسمان می‌کوبد و با پرچم زن زندگی آزادی و شعارها و منشورها و بیانیه‌های اهداف و خواست‌های انسانی خود را به روشنی و صریح اعلام کرده است. کسانی که گذشته را وعده می‌دهند، آینده‌ای ندارند!

۱۰ مرداد ۱۴۰۴، ۱۱ اوت ۲۰۲۵

انتر ناسیونال: پس از اعلام آتش بس میان اسرائیل و جمهوری اسلامی شاهد عروج مجدد گفتمان‌هایی هستیم که مدت‌ها بود تحت تأثیر انقلاب زن زندگی آزادی قرار گرفته بودند و خبری از این مباحث نبود. سلطنت طلبان از یک سو و دواخردادی‌ها از سوی دیگر مجدداً از فراندوم و قانون اساسی و گذار مسالمت آمیز و غیره صحبت می‌کنند. به نظر شما دلیل این عقب گرد آشکار نزد این نیروها چیست؟ آیا طرح این مباحث را می‌توان شاهدی بر بی‌ثمر ماندن و ناکامی انقلاب ۱۴۰۱ دانست؟

حمید تقوایی: همانطور که اشاره کردید انقلاب ۱۴۰۱ باعث شد نیروهایی مثل سلطنت طلبان و دواخردادی‌ها که همیشه مخالف انقلاب و تغییرات بنیادی بوده‌اند خود را با انقلاب همراه کنند. این همراهی، جزئی از سیاست و کلاً سیستم نظری و ارزشی این نیروها نبود؛ بلکه نوعی تمکین به انقلاب زن زندگی آزادی بود برای عقب نماندن از قافله. امروز که انقلاب به‌ویژه از نظر میدانی فروکش کرده و فضای جامعه تحت الشعاع جنگ و کشاکش جنگی قرار گرفته این نیروها هم به اصل خود بازگشته‌اند. این نشانه ناکامی انقلاب نیست؛ بلکه نشانه بی‌ریختی این نیروها به انقلاب است.

دواخردادی‌ها تکلیفشان روشن است. آنها بنا به تعریف طرفدار استحاله و مخالف انقلاب هستند. هدف آنها نه تنها تغییر بنیادی نظم موجود نیست؛ بلکه برعکس، حفظ نظام در برابر "خطر" انقلاب است. سلطنت طلبان هم که تحت فشار انقلاب از سرنگونی دم می‌زنند، خواهان حفظ ماشین دولتی و حتی نیروهای نظامی و انتظامی هستند و آنها را برای حفظ امنیت نظام آتی و دفاع از مرزها بعد از سرنگونی لازم می‌دانند. به عبارت دیگر سلطنت طلبان نیز مانند دواخردادی‌های طرفدار موسوی خواهان گذار از ولایت فقیه به حداقل تغییرات در نظام موجود هستند.

این گرایش در شیوه و راه به قدرت رسیدن نیز خود را نشان می‌دهد. استراتژی سلطنت طلب‌ها نوعی رژیم چنچ و کسب قدرت از بالای سر مردم است، و به‌ویژه در شرایطی که بعد از حمله ۷ اکتبر حماس به وجود آمد و نهایتاً به جنگ ۱۲ روزه منجر شد، بیش از پیش به این تحولات به عنوان روندی که گویا می‌تواند آنها را به قدرت برساند امید بسته‌اند. در طی جنگ ۱۲ روزه رضا پهلوی صریحاً از نقش تعیین کننده اسرائیل و آمریکا در "نجات ایران" صحبت می‌کرد. آتش بس، خیال‌بافی آنها را بر هم زد؛ ولی همچنان نقطه امیدشان دخالت از بالا است. کلاً در جهان بینی و سیستم ارزشی اپوزیسیون سلطنت طلب انقلاب تحولی منفی و مخرب و معادل هرچومرغ و خشونت است. حتی در اوج جنبش زن زندگی آزادی هم تأکیدشان بر جلوگیری از به هم ریختگی اوضاع بعد از سرنگونی رژیم و ضرورت حفظ نیروهای مسلح به این منظور بود.

انتر ناسیونال: در ادامه همین فضا چند روز پیش رضا پهلوی سمیناری در مونیخ بر پا کرد که با حواشی فراوانی همراه بود. گذشته از سخنان رضا پهلوی، فضای دیربازی و چاکرمنشانه حاکم بر این سمینار بسیار شاخص و پررنگ بود. نظر شما در مورد نفس برگزاری این سمینار و مضمون و اهداف آن و همین‌طور سخنرانی‌ها و جو آن چیست؟

حمید تقوایی: من قبلاً در یادداشتی نظرم را مورد فرهنگ بغایت عقب مانده و شرم آور حاکم بر این کنفرانس نوشته‌ام. مضمون بحث‌ها و سیاست‌های طرح شده در این همایش نیز دست کمی از فرهنگ ارتجاعی آن نداشت. در این همایش، جدا از تأکید بر خاک پرستی و خط قرمز تمامیت ارضی، که مدام در سخنرانی‌ها تکرار می‌شد، از ضرورت "خشونت

«کوله زندگی» طرح حکومت در قبال بحران و جنگ



شهلا دانشفر

به توضیح شد و نوشت: «مخاطرات طبیعی و انسانی در همه کشورها وجود دارد. وجود یک کیف آماده با وسایل ضروری، اقدای مسئولانه و پیشگیرانه است، نه نشانه‌ای از وقوع قریب‌الوقوع بحران.»

در پاسخ به این طرح و تفاسیرش مردم گفتند که حکومت می‌خواهد هزینه جنگ‌افروزی‌ها و بحران‌های متعاقب آن برای جامعه را باز برگرده خود ما تحمیل کند.

بدین ترتیب طرح «کوله زندگی»، طرح یک حکومت جنگ‌افروز و بحران‌آفرین است که بی‌شمارانه از بقای مردم در دل بحران آن‌هم فقط برای سه روز زنده‌ماندن صحبت می‌کند. طرح حکومتی در حال سقوط است که بقایش را در جنگ‌افروزی و بحران‌آفرینی برای مردم می‌بینید. حکومتی مافیایی و چپاولگر که جوایی برای بحران معیشتی که برای کل جامعه ایجاد کرده و حتی آب و برق و زندگی را از مردم گرفته است، ندارد و می‌خواهد در پرتو فضای جنگی فریاد زن زندگی آزادی را خفه کند.

مردم به ظرفیت جنایت‌کارانه حکومت مافیایی جمهوری اسلامی واقف‌اند. می‌دانند که رجزخوانی‌های جنگ‌افروزانه آن با میدیدن بر

تبلیغات ناسیونالیستی و ملی و در کنار آن تشدید سرکوبگری‌ها و افزایش اعدام‌ها تمهیداتی برای عقب زدن مبارزات جامعه است. از همین رو مردم مقابلش ایستاده‌اند. طرح «کوله زندگی» را هم باید در همین راستا دید.

بعلاوه اینکه مردم همین‌الان در بحران همه‌جانبه‌ای زندگی می‌کنند. بحران گرانی و معیشتی زندگی میلیون‌ها مردم را به نابودی کشانده است. گرانی بیداد می‌کند.

گزارشات دولتی از افزایش ۵۰ تا هفتاد درصدی قیمت کالاهای اساسی خبر می‌دهد. حتی نان را هم گران کرده‌اند. بحران آب، زندگی و معیشت کل جامعه را به نابودی کشانده است. مردم تشنه آب‌اند و دام و کشت و زندگی خود را از دست می‌دهند. بی‌آبی، درمان و بهداشت را به خطر انداخته است. رودخانه پشت رودخانه به خشکی کشیده می‌شود و صحنه ته‌نشست اجساد ماهیان و فرونشست زمین زیر پای مردم تأسف‌بار است. از سوی دیگر بحران برق نیز زندگی کل جامعه را فلج شده است. بسیاری از مراکز تولیدی از جمله صنایع فولاد به تعطیلی کشیده شده است. نانوایان و رانندگان و کشاورزان و بخش‌های بسیاری از مردم کار و معیشتشان به خطر افتاده است و اعتراضات علیه قطعی‌های آب و برق دارد سراسری می‌شود. بسیاری از شهرک‌های صنعتی به حرکت درآمده‌اند و همه این‌ها در حالی بر سر مردم آمده که امسال شهرهای بسیاری از ایران خصوصاً در جنوب از جمله گرم‌ترین نقاط جهان نام‌برده شده‌اند. در چنین جهنمی مردم خشمگین و معترض‌اند. در چنین شرایطی حکومت وقیح و جنایت‌کار جمهوری اسلامی طرح

اخیراً سازمان مدیریت بحران شهر تهران، طرحی به نام «کوله زندگی» یا «کیف بقا» و همه چیز برای سه روز زنده‌ماندن را رونمایی کرده است.

به گزارش گروه آنلاین روزنامه دنیای اقتصاد؛ «تهران، شهری است با ۱۷ مخاطره کلیدی؛ از زلزله و سیل گرفته تا موج گرما و تهدیدات سایبری. شهری که نفس‌هایش گاهی در هوای آلوده بند می‌آید، زمینش ترک می‌خورد و سقف خانه‌هایش با لرزشی فرومی‌ریزد. حالا سازمان مدیریت بحران شهر تهران، طرحی را رونمایی کرده که می‌تواند در صورت بروز شرایط خطرناک برای سه روز «زندگی در بحران» را ممکن کند.»

تهدیدات سایبری نیز بیان دیگری از تهدیدات خطراتی است که نتیجه مستقیم جنگ‌افروزی‌های حکومت است. از جمله یک مثالشان در معرفی این طرح اشاره به تجربه جنگ دوازده‌روزه اخیر و غیبت زیرساخت‌های مقابله با شرایط جنگی است. می‌نویسند: «شرایط جنگی، نشان داد که بقا، فقط به یک تصمیم ساده وابسته است: آماده‌بودن. همان روزها بود که بسیاری از تهرانی‌ها، یک کوله‌پشتی ضروری از خانه بیرون می‌بردند، برای روز مبادا. حالا این تجربه، در قالب «کوله زندگی» بازآفرینی شده تا دیگر کسی در دل بحران، بی‌پناه نماند.»

این تفاسیر لب و اساس طرح «کوله زندگی» و اهداف پشت آن را بیان می‌کند. اینجا هم باز حرفشان این

است که اگر آسیبی از جنگ به مردم وارد شد، خود آنها تقصیرکارند چرا که «کوله زندگی» برای زنده‌ماندن را نداشتند و آماده نبودند. درحالی که یک تجربه درخشان مردم در کوران دوازده روز جنگ جمهوری اسلامی با اسرائیل تشکیل گروه‌های همیاری و ایجاد صفی متحد در برابر حکومت جنگ‌افروز است. مردمی که با شعاردی‌های شبانه فریاد خشم خود را علیه حکومت و جنایاتش بلند کردند و امروز این جنایت‌کاران با چنین تصویری و رونمایی چنین طرحی با زبانی الکن می‌خواهند ذهن جامعه را آماده بحران‌آفرینی‌های جنگی‌شان کنند.

اما محتوای طرح چیست؟ طبق گفته‌ها «کوله بقا» ۷۱ قلم ضروری از غذا و دارو گرفته تا کمک‌های اولیه و وسایل بهداشتی برای سه روز (۷۲ ساعت) دوام آوردن یک خانواده سه‌نفره، با هزینه ۵ تا ۷ میلیون در دل حادثه را در بر می‌گیرد.

در مقابل این طرح واکنش‌های اعتراضی بسیاری را شاهد بودیم و وقتی طراحان مفت‌خور و جنایت‌کار آن نگرانی‌ها و خشم مردم را دیدند، نصیری رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران فوراً مجبور



کوله زندگی؛ همه چیز برای سه روز زنده ماندن

غرب‌ستیزی و جنگ‌افروزی جمهوری اسلامی را بر سرش خراب کنیم!

از صفحه نخست

- قطع سیاست‌های تروریستی و حمایت از نیروهای تروریستی اسلامی. "محور مقاومت" نام دیگری برای نیروهای فوق‌ارتجاعی و ضد‌مردمی در ایران و عراق و سوریه و یمن و لبنان است. دست این نیروها باید از منطقه کوتاه شود.

- آب برق زندگی حق مسلم ما است. بودجه هنگفت پروژه‌های هسته‌ای و موشکی و نظامی رژیم و همچنین بودجه نهادهای سرکوب و نهادهای مذهبی باید تماماً قطع شود و صرف رفاه مردم گردد.

- توقف سیاست غرب‌ستیزی و اسرائیل‌ستیزی. شعار مرگ بر آمریکا و نابودی اسرائیل ابزار سرکوب مردم ایران و منطقه است. مردم خواهان برقراری روابط مسالمت‌آمیز با همه کشورها پس از سرنگونی جمهوری اسلامی هستند.

ما همه سازمان‌ها و نیروهای آزادی‌خواه، تشکل‌ها و فعالین جنبش زن زندگی آزادی، و دست‌اندرکاران جنبش‌های مطالباتی را فرامی‌خوانیم با اطلاعیه‌ها و بیانیه‌ها و فراخوان‌های خود حول این اهداف و شعارها هماهنگ و متحد علیه جمهوری اسلامی به میدان بیایند.

در شرایط حاضر تمرکز بر این اهداف و بسیج جامعه حول آن گام مهمی در پیشروی جنبش زن زندگی آزادی و واردکردن ضربه نهائی به جمهوری اسلامی و سرنگونی آن به قدرت انقلاب مردم است.

حزب کمونیست کارگری برای پیشبرد این سیاست تلاش می‌کند و همه نیروها و فعالین انقلابی و آزادی‌خواه را به این نبرد فرامی‌خواند. نبردی که بر پرچم آن نوشته شده غنی‌سازی زندگی حق مسلم ماست!

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مرداد ۱۴۰۴، ۳۱ جولای ۲۰۲۵

این پاسخ محکمی نه تنها به جنگ‌افروزی‌های حکومت بلکه مهم‌تر از آن تعرضی علیه کل موجودیت جمهوری اسلامی است.

اکنون وقت آن است که سیاست استراتژیک و هویتی حکومت در خیابان به چالش کشیده شود. باید "غرور و افتخار ملی" انرژی هسته‌ای را بر سر حکومت خرد کرد! باید جامعه با صدای بلند اعلام کند که نه غنی‌سازی هسته‌ای بلکه غنی‌سازی زندگی حق مسلم ما است. باید اعلام کرد که بودجه‌های نجومی و هنگفت پروژه‌های هسته‌ای و موشکی و نظامی رژیم باید صرف رفاه مردم و غنی‌سازی زندگی همه مردم بشود. جهان باید بداند که مردم ایران با پروژه هسته‌ای، موشک‌سازی و موشک‌پراکنی، و حمایت رژیم از نیروهای تروریست اسلامی در منطقه مخالف هستند. جهان باید بداند که مرگ بر آمریکا و نابودی اسرائیل نه خواست مردم ایران بلکه ابزار سرکوب مردم ایران است. جهان باید بداند که مردم ایران خواهان برقراری روابط مسالمت‌آمیز با همه کشورها پس از سرنگونی جمهوری اسلامی هستند.

این به عهده همه ما نیروهای انقلابی است که جامعه را علیه این سیاست‌های هویتی حکومت بسیج کنیم و کل حکومت را به چالش بکشیم. مشخصاً ما می‌توانیم و باید حول اهداف و شعارهای زیر تعرض گسترده‌ای را علیه کل حکومت سازمان بدهیم:

- توقف فوری پروژه هسته‌ای حکومت. خواست مردم نه غنی‌سازی هسته‌ای بلکه غنی‌سازی زندگی است.

جمهوری جنگ‌افروز اسلامی نابود باید گردد!

بر آوار اقتدار پوشالی حاکم، دوباره خونمان را در شیشه کنند و رساتر از هر وقت فریاد اعتراض خود را علیه هر نوع سیاست جنگ‌افروزانه حکومت بلند کردند. مردم ما با صدای رسا اعلام کرده و گفتند که ما سلاح‌های کشتار جمعی و تسلیحات هسته‌ای و موشکی نمی‌خواهیم. جنگ و کشتار نمی‌خواهیم و بر داشتن رفاه ماندگار تأکید کردند. "نه جنگ می‌خواهیم نه کشتار، رفاه می‌خواهیم ماندگار"، یک شعار کف خیابانی بازنشستگان در تجمعاتشان است. مردم با شعار "دروغ می‌گین آمریکاست، دشمن ما همین‌جاست" در برابر سیاست غرب‌ستیزانه حکومت که مستقیماً سفره آنها را نشانه می‌رود، ایستاده و بر تداوم مبارزاتشان تأکید می‌کنند.

سخن آخر اینکه در مقابل جنگ‌افروزی‌های حکومت و طرح‌هایی از نوع "کوله زندگی"، مردم ایستاده‌اند و خشمگینانه می‌گویند که اگر موشک‌باران و بمباران شد، این کوله چه نجاتی برای ماست و با فریاد شعارهای "غنی‌سازی زندگی حق مسلم ماست"، "جنگ‌افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن" حکومت جنگ‌افروز حاکم را در کف خیابان به چالش می‌کشند و اینها همه پلاتفرم مبارزاتی همین امروز مردم است. مردمی که همین امروز هم چنین کوله‌ای برای بقا ندارند و در برابر بحران آب، بحران برق و بحران معیشتی، شعار "آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست" را فریاد می‌زنند و زندگی یک محور مهم "زن زندگی آزادی" برای به پیروزی رساندن انقلابی است که ناتمام مانده است.*

"کوله زندگی" طرح حکومت در قبال بحران و جنگ

از صفحه ۳

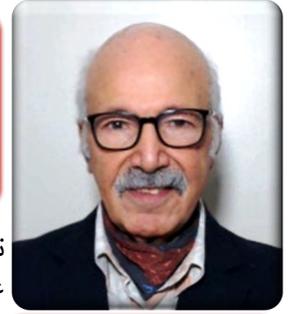
کوله زندگی (کیف بقا) را رونمایی می‌کند.

در برابر بحران آب و برق حرف مردم این است که هزینه این جنگ و جنگ‌افروزی‌های حکومت، هزینه سنگین نظامی و سلاح‌های کشتار جمعی و تسلیحات هسته‌ای همه‌وهمه از جیب ما مردم پرداخت شده و نتیجه‌اش کشیده‌شدن معیشت ما کارگران و همه ما مردم به قعر نابودی است. آب برق زندگی حق مسلم ماست.

به دنبال آتش‌بس پس از جنگ دوازده‌روزه نیز بیانیه‌های اعتراضی مردمی کیفرخواست روشنی علیه جنگ‌افروزی‌های حکومت بود. بیانیه‌هایی که با فریاد آتش‌بس تمام شد، اما جنگ ما بر سر معیشت پایان ندارد پاسخ روشنی به حکومت جنگ‌افروز حاکم و تأکیدی بر تداوم انقلاب بود.

مردم در بیانیه‌هایشان فریاد زدند و گفتند ما که سال‌ها در صفوف مبارزات شفاف و مطالبه‌گر خود زندگی را فریاد زده‌ایم، اجازه نخواهیم داد،

مونخ: نمایش لخت و عور جنبش سلطنتی



کازم نیکخواه

عبادی راست‌های دیگر از جامعه ایران به‌ویژه از فضای پیشرو و چپ انقلاب زن زندگی آزادی، دچار ناامیدی شده‌اند و فهمیده‌اند که این جامعه از آلت‌ناتیوهای اسلامی و ارتجاعی و سنتی فرسنگ‌ها عبور کرده است و بخش پیشرو مردم ایران، یک‌ذره برای تبلیغات رسانه‌های راست و رهبرتراشی‌های اینها ارزش قائل نیستند. به این دلیل به هر خس و خاشاکی جنگ می‌اندازند که مانع تحولاتی اساسی در آینده این کشور شوند.

اوضاع سیاسی ایران نشان می‌دهد که این کشور آستن تحولاتی عمیق و عظیم است. جمهوری اسلامی به باور همه مردم دوران‌ش به سر رسیده است و باید برود و خواهد رفت. سرنگونی این حکومت منفور در آینده‌ای نه‌چندان دور امری قطعی است. آنچه در پیشانی تحولاتی آتی و فعالین و رهبران و بازیگرانش دیده و شنیده می‌شود، برابری طلبی، آزادی خواهی، رفع تبعیض از زنان و مردم تحت ستم، حقوق پیشرو کودکان، دفاع از آخرین دستاوردهای فرهنگ غرب و ضدیت با اعدام و حجاب و مذهب و سیستم‌های طبقاتی و خودکامه و ستمگرانه است. این اوضاع جایی برای راست، آن هم راست سلطنت طلب باقی نمی‌گذارد. رضا پهلوی در این شرایط به نوعی سرگیجه گرفته است و این طرف و آن طرف می‌زند. او چندین سال پیش اعتراف کرد که در ایران اگر انتخابات شود چپ‌ها و سوسیالیست‌ها سرکار می‌آیند، او فهمید که باید ادعای سلطنت و سلطنت طلبی را کنار بگذارد. به این دلیل او خود را "جمهوری خواه" و طرفدار حقوق بشر و ضد اعدام معرفی کرد، ادعا کرد که حتی پدرش هم به نحوی سوسیالیست بوده است! اما این موضع گیری‌ها که عقب نشینی در حرف از سنت درباری و سلطنت و ساواک بود به مذاق اطرافیانش خوش نیامد و بارها مورد حمله و حتی فحاشی قرار گرفت. حتی از درون خانه‌اش شعار مرگ بر مجاهد و چپی سر داده شد. به این دلیل و مخصوصاً با مشاهده حمله اسرائیل به جمهوری اسلامی و امید بازگشت به ایران با هواپیماهای اسرائیلی، جسارت پیدا کرد و مجدداً خود را در قامت "پدر ملت" جلو کشید و به طور خزنده به اصل خویش بازگشت نمود.

کسی. باید به این جناب بگوید که باور کنید دوره سلطنت و سلطنت طلبان در ایران دهه‌هاست به سر رسیده است. انقلاب زن زندگی آزادی می‌بایست همه سلطنت طلبان و راست‌ها را متوجه کرده باشد که اوضاع از دست رفته است و نمی‌شود بار دیگر در این کشور شاه و دیکتاتور و اعدام و دربار و ساواک را باز گرداند. حتی نمی‌شود جمهوری‌ها و سیستم‌های استثمارگرانه‌ای نظیر پاکستان و ترکیه را بر مردم این کشور غالب کرد. این درست که مردم طی چهل و چند سال گذشته زخم‌های زیادی خورده‌اند. رنج‌های زیادی کشیده‌اند. به فقر و فلاکت کشیده شده‌اند و عمیقاً تشنه خلاصی از شر حکومت اسلام و اعدام هستند. اما نه با تن دادن به تحقیر و سلطه یک دیکتاتور و آقابالاسر و حاکمیت یک اقلیت و مافیای چپ‌اولگر دیگر. مردم علی‌رغم همه رنج‌ها و دردهایشان از منزلت و رفاه کوتاه نمی‌آیند و به چیزی کمتر از یک جامعه مرفه و انسانی رضایت نمی‌دهند. بازگشت به سلطنت و ساواک و مرثیه و خضوع و تسلیم، آن هم از طریق حفظ بخشی. از آخوندها و بخشی. از سپاه و بخشی از بسیج و تمام همین سیستم اقتصادی موجود، رؤیایی پوچ و مسخره است. این را مردم در این کشور به هیچ وجه نمی‌پذیرند. عده‌ای می‌توانند امیدشان را به مشتی سلطنت طلب و بخش مستأصل جامعه ببندند و این حرف‌ها باور نکنند. اما گفتن از ما.*

تجمع هواداران رضا پهلوی در مونخ، تحت عنوان "همکاری ملی برای نجات ایران" تهوع آور و از هر نظر نازل بود. این نمایش یک بار دیگر کنه و جوهر این جریان را لخت و عریان در روز روشن به نمایش گذاشت و پیرطی این جریان به فضای سیاسی کنونی در جامعه را نشان داد. به طور قطع این نوع نمایشات بیش از نمایش "وکالت می‌دهم" و جورج تاون و امثالهم، باعث مضحکه و رسوایی رضا پهلوی و سلطنت طلبان و جریانات راست مدافع آنها خواهد بود. این نمایشی بود مملو از زبان و سنت و فرهنگ کپک‌زده درباری، فردپرستی، عبودیت، سجده، ستایش چوبه دار و رانده‌شدگان ساواکی. هرچه در این سال‌ها رضا پهلوی و همگامانش برای دادن تصویری "حقوق بشری" رشته بودند در این نمایش دود شد و به هوا رفت و معلوم شد اینها هیچ تغییر و پیشرفتی نکرده‌اند و حتی از گذشته و "گورستان آریامهری" شان نیز عقب‌تر رفته‌اند. چرا که کسی که در اپوزیسیون می‌خواهد چوبه دار برپا کند و خود را پدر ملت می‌خواند و گردهمایی‌هایش به سجده و ستایش و ابراز بندگی تبدیل می‌شود، معلوم است که چه در آستین دارد و اگر احیاناً روزی روزگاری به قدرت برسد به چه موجودی تبدیل خواهد شد. به جایی نرسیده، می‌خواهند چوبه دار برپا کنند، رهبرشان را پدر ملت خطاب کنند، سیاست‌مدارانشان همچون اسماعیل نوری‌علاء رهبر حزب سکولار دموکرات ایرانیان قرار است نه به عنوان شخصیت‌های سیاسی مستقل، بلکه نوکرانی "در رکاب علیحضرت" (عین جمله خود ایشان) پابوس پدر عالی مقامشان باشند و وزیر و وکیلشان در برابر شاه و شاهزاده به سجده بیفتند و مداحی و چاپلوسی و یواژه‌گویی کنند. اینها حتی در حرف نیز فرسنگ‌ها از اصول مشروطه بیش از یک قرن پیش این کشور نیز عقب‌ترند. سرتاپای این نمایش از این دست بود.

تجمع مونخ یک تجمع سیاسی نبود. تجمع نیروهایی بود که خود را در اوضاع سیاسی ایران و انقلاب زن زندگی آزادی بازنده می‌بینند و گرد آمدند تا رضا پهلوی را که بارها طی چند سال اخیر در جورج تاون و در جریان "وکالت می‌دهم" و غیره خراب کرده و تحقیر شده بود، از زمین بلند کنند، و او را به عنوان ولی و شاه و "پدر ملت" به تخت بنشانند و حول او سینه بزنند و سردست بلند کنند. به این امید که با این نمایشات این بار با استقبال در جامعه مواجه شوند و طیفی از مردم را پشت سر خود بکشانند. اینها آمده بودند تا با ستایش و سجده کردن و تکریم و ثنا، به شیوه خمینی قبل از انقلاب ۵۷ برای مردم رهبر و پدر بسازند. اما به کاریکاتور داستان سال ۵۷ تبدیل شدند. می‌خواستند خود را به فضای جامعه ایران که بارها به زبان‌های مختلف اعلام کرده است که به آقابالاسر و هیچ پروژه تحمیلی‌ای رضایت نمی‌دهد، با جنجال و هورا و جاوید شاه و تمجید و ثنا، تحمیل کنند.

به راستی مسخره است که کسی فکر کند مردم ایران برای چنین تلاش‌های نخ‌نمایی تره خرد خواهند کرد. آیا روشن نیست که نه فقط کار این جماعت نگرفت؛ بلکه مضحکه و مسخره شدند؟

حمایت امثال شیرین عبادی و شماری از اکثریتی‌ها و توده‌های سابق و امثالهم از نشست مونخ و رضا پهلوی نیز قابل تأمل جدی است. اینها را برای تکمیل و پیرین رضا پهلوی دعوت کرده بودند تا بتوانند ادعای حضور "طیف رنگارنگ" سیاسی در این نشست را تکمیل کنند. امثال شیرین

حکومت اعدام را با اتحاد بزرگ مردمی زمین گیر کنیم!



حسن صالحی

اعدام دو زندانی سیاسی، مهدی حسنی و بهروز احسانی اسلاملو در سحرگاه یکشنبه ۵ مرداد، و پیش از آن حمله خشونت آمیز به زندانیان سیاسی در زندان قزل حصار در روز شنبه ۴ مرداد، دو واقعه نگران کننده‌ای بودند که بر نگرانی‌ها نسبت به وضعیت زندانیان سیاسی در ایران افزود و ضرورت مبارزه برای آزادی آنان و توقف اعدام‌ها را بیش از پیش برجسته کرد.

روز شنبه، نیروهای گارد ویژه با همراهی مأموران وزارت اطلاعات به بند زندانیان سیاسی زندان قزل حصار کرج یورش بردند. در جریان این حمله، ارتباطات تلفنی قطع شد و شماری از زندانیان با خشونت به سلول‌های انفرادی منتقل شدند. اسامی تعدادی از این زندانیان منتشر شده و گزارش‌ها حاکی از ادامه نگهداری آن‌ها در واحدهای یک و سه زندان است. برخی نیز در اعتراض به این خشونت‌ها دست به اعتصاب زده‌اند.

هدف اصلی این اقدامات، اعمال فشار برای تبعید سعید ماسوری، زندانی سیاسی، به زندان زاهدان و فراهم‌سازی زمینه برای اجرای احکام اعدام عنوان شده است. نگهداری در سلول انفرادی بدون دسترسی به تماس، وکیل یا خدمات درمانی، از مصادیق شکنجه روانی و مغایر با قوانین بین‌المللی است.

روز یکشنبه ۵ مرداد، مهدی حسنی و بهروز احسانی اسلاملو بدون اطلاع خانواده‌ها و بدون امکان آخرین ملاقات، به طور مخفیانه اعدام شدند. آن‌ها با اتهاماتی از جمله عضویت در سازمان مجاهدین خلق، «بغی» و «برهم‌زدن امنیت عمومی» محاکمه و در سکوت اعدام شدند. خانواده‌های این زندانیان، درحالی که هنوز در شوک به سر می‌برند، هنگام پیگیری وضعیت پیکر عزیزانشان بی‌شرمانه با این پاسخ مواجه شدند: «خودمان دفن کرده‌ایم و محل دفن را به شما نمی‌گوییم.»

ابعاد اعدام‌ها در ایران به حدی است که فولکر تورک، کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد گفته است: «گزارش‌هایی مبنی بر اعدام صدها نفر در ایران در سال جاری به‌وضوح نشان‌دهنده وخامت شدید اوضاع و نیاز فوری به توقف استفاده از مجازات اعدام است.»

در نیمه نخست سال ۲۰۲۵، دست کم ۶۱۲ نفر در ایران اعدام شده‌اند؛ آماري که نسبت به دوره مشابه در سال گذشته، بیش از دوبرابر افزایش یافته است. بخش عمده این اعدام‌ها به اتهامات مرتبط با جرایم مواد مخدر بازمی‌گردد.

تا زمان نگارش این گزارش، شمار کل اعدام‌ها در سال جاری میلادی به ۷۱۴ نفر رسیده است که برخی از آن‌ها زندانیان سیاسی بوده‌اند. همچنین بیش از ۶۰ زندانی سیاسی در زندان‌های مختلف کشور در معرض خطر اجرای حکم اعدام قرار دارند.

همگان بر ضرورت اقدام فوری برای توقف اعدام‌ها در ایران تأکید دارند. در این میان، جنبش مردمی علیه اعدام، هرچند هنوز از تمام ظرفیت‌های خود بهره‌برداری کامل نکرده، اما تاکنون فعالیت‌های مؤثر و قابل توجهی انجام داده است.

از جمله این اقدامات می‌توان به برگزاری سه‌شنبه‌های اعتراضی توسط زندانیان سیاسی، گسترش گفتمان «نه به اعدام»، برگزاری تجمعات اعتراضی در داخل و خارج از کشور، صدور بیانیه‌های متعدد در اعتراض

به اعدام و مطالبه لغو این مجازات غیرانسانی، دیوارنویسی، اعتراضی در سطح شهرها و فعالیت گسترده در شبکه‌های اجتماعی اشاره کرد.

این تلاش‌ها، نشان‌دهنده رشد آگاهی عمومی و شکل‌گیری یک مقاومت اجتماعی سازمان‌یافته علیه اعدام در ایران است. جبهه مردمی ضد اعدام این ظرفیت را دارد که به‌مراتب قوی‌تر و فراگیرتر شود و اقشار و طیف‌های متنوع‌تری از جامعه را در برگیرد. برای تحقق این هدف، لازم است گفتمان اعتراضی علیه اعدام در سطح جامعه گسترش یابد و به یک مطالبه عمومی در هر اعتراض و مبارزه‌ای تبدیل شود.

تجربه‌های پیشین، مانند اعتصاب کسبه و بازار در کردستان یا حرکت‌های مشابه در شهرستان سمیرم، نشان می‌دهند که بسیج مردمی در واکنش به اعدام‌ها ممکن و مؤثر است. این نمونه‌ها می‌توانند به‌عنوان الگوهای ارزشمند در شکل‌دهی به مقاومت‌های محلی و سراسری مورد استفاده قرار گیرند.

توسعه این جبهه نیازمند همبستگی، خلاقیت در شیوه‌های اعتراض، و پیوند میان مبارزات مدنی، فرهنگی و اجتماعی است تا بتواند به یک نیروی بازدارنده در برابر اعدام‌ها تبدیل شود.

تا آنجا که به اقدامات جهانی مربوط می‌شود، باید فشار بر نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها را افزایش دهیم تا توقف اعدام در ایران به‌عنوان پیش‌شرط هرگونه گفت‌وگو با جمهوری اسلامی اعلام شود.

جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست و نباید به این عنوان به رسمیت شناخته شود. با این حال، تا زمانی که روابط سیاسی و دیپلماتیک با این حکومت برقرار است، لازم است از اتحادیه اروپا، سازمان ملل و سایر نهادهای جهانی بخواهیم که توقف کامل اعدام را شرط هرگونه مذاکره و گفتگو قرار دهند.

در غیاب اقدام جدی بین‌المللی، جمهوری اسلامی، ایران را به حیاط خلوتی برای کشتار و اعدام زندانیان تبدیل کرده است. اگر سیاست‌سازش و مماشات دولت‌های غربی ادامه نمی‌یافت، در کنار خیزش مردمی و اعتراضات ضد اعدام در داخل کشور، این امکان وجود داشت که روند اعدام‌ها در ایران کند یا حتی متوقف شود.

همه ما می‌دانیم که در دست جمهوری اسلامی، اعدام به ابزاری برای سرکوب جامعه تبدیل شده است. با این حال، خوشبختانه این حربه خشونت‌بار نتوانسته مردم را از ادامه مبارزه‌شان برای آزادی، کرامت انسانی و دستیابی به یک زندگی شایسته باز دارد.

با این وجود، مسئولیت ما سنگین است. ما باید برای نجات جان انسان‌هایی که روزانه توسط جمهوری اسلامی گرفته می‌شود، اقدام کنیم؛ جان‌هایی که با اعدام از میان می‌روند و خانواده‌های بی‌شماری را در سوگ و داغ می‌گذارند.

یکی از محورهای اصلی انقلاب «زن، زندگی، آزادی»، خود زندگی است - و این زندگی اکنون در ایران، تحت فشار قطعی آب و برق، فقر گسترده و اعدام‌های فزاینده، به‌طور جدی تهدید می‌شود. مبارزه برای معیشت و کرامت انسانی امروز به مبارزه‌ای برای حق حیات گره‌خورده است.

رمز پیشرفت و توسعه جامعه، گرفتن جان انسان‌ها نیست؛ بلکه ساختن زندگی بهتر و امیدبخش برای مردم است - چیزی که جمهوری اسلامی آن را سلب کرده و به‌جای آن، مرگ و سرکوب را تحمیل می‌کند.*

آنچه در مونیخ گذشت، آنچه در کردستان گذشت

مهران محبی

طی یک هفته گذشته دو حرکت، یکی در شهر مونیخ و متأثر از اوضاع ملت‌تپ و پر تحرک جامعه در برابر حکومتی که ۴۶ سال است با خونریزی و جنایات کم‌سابقه در حداقل ۱۰۰ سال گذشته از تاریخ خونبار تمدن بشری حاکم است و دیگری از بطن خود جامعه در شهر سنندج سرخ برافشانند که توجهات را به خود جلب کردند.

آنچه در مونیخ گذشت:

در مونیخ همایشی تحت عنوان "همایش ملی برای نجات ایران" به میزبانی رضا پهلوی برگزار شد. نمایشی فوق‌العاده مشمئزکننده از سرسپردگی طرفداران بازگشت پادشاهی با رضا پهلوی و تملق‌گویی و سجده کردن در برابر او بود. نمایشی که حتی بنا به تعریف، مفهوم ملی مطابق معیارهای مرسوم ملی‌گرایی را در خود نداشت. اکثریت حاضرین در کنفرانس از سلطنت‌طلبان طرفدار رضا پهلوی شامل ژنرال‌های رژیم سابق، سرمایه‌داران گریخته از ایران و به اصطلاح کارشناسان حقوقی و اقتصادی که طبق ادعای خودشان برنامه‌هایی (برنامه‌هایی که هنوز جزئیاتشان را رو نکرده‌اند و معلوم است که چیزی به نفع مردم برای ارائه ندارند) را برای بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی دارند، بودند و تعداد محدود افرادی از چپ (اکثریتی)، جمهوری‌خواه و سوسیال‌دمکرات هم حاضر بودند که غیر از اعلام وفاداری به شاهزاده حرفی به زبان نیاوردند.

همایش یا نمایش این‌گونه شروع شد که با ورود رضا پهلوی به سالن جمعیت یک پارچه از جا بلند شدند و با کفرزدن و سردادن شعار "کینگ رضا پهلوی" و همخوانی سرود "شاهنشاه ما" (سرود صبحگاهی مدارس و نظامیان در زمان محمدرضا شاه) از پادشاهشان استقبال کردند و در ادامه نیز نشان داده شد که همایش، نه فضایی برای تبادل نظر میان جریان‌های قومی و ملی بر سر چگونگی سرنگونی جمهوری اسلامی و ارائه برنامه‌ای که حتی متضمن رعایت حقوق خود گروه‌های قوم‌گرا و ملی‌گرا در فردای پس از رژیم باشد، بلکه همایش حمایت از رضا پهلوی و بازگشت پادشاهی از سوی جمعیتی بود که به دعوت خود رضا پهلوی گردآمده بودند. کسی حاضر نشد یا جرئت نکرد غیر از شعار "پاینده ایران" و "جاویدشاه" که از شعارهای شاخص حکومت محمدرضا شاه و شعارهای اختصاصی سلطنت‌طلبان امروزی هستند، شعار دیگری بر زبان بیاورد یا خود را مدافع کسی غیر از رضا پهلوی بداند و حاضر باشد پرچمی غیر از پرچم شیر و خورشید نشان پادشاهی را در دست بگیرد.

کنفرانس مونیخ نه کنفرانس یا همایش ملی برای انتخاب آلترناتیو به اصطلاح ملی، بلکه همایشی برای اعلام پادشاهی رضا پهلوی به عنوان وارث تاج و تخت و حکومت سرنگون شده پدرش بود و خود رضا پهلوی هم به عنوان آخرین و اصلی‌ترین سخنران همایش پروژه اعلام پادشاهی‌اش را تکمیل کرد. او خود را پدر ملت خواند؛ یعنی کسی که باید اعضای خانواده از او حرف‌شنوی مطلق داشته باشند و تضمین داد که در دوره گذار به ملت اجازه خواهد تا رأی‌شان را در صندوق بیندازند. طبعاً هر پادشاه و پدر هر قبیله و خانواده‌ای برای تحکم و نظم بخشیدن به مملکت یا قبیله و خانواده‌اش نیاز به ابزار اعمال قدرت دارد و رضا پهلوی نیز چنین ادعایی دارد. وی بارها اعلام کرده که با سپاه ارتش و بسیج و غیره ارتباط دارد و خیلی‌ها تا حالا اعلام پیوستن و وفاداری به وی کرده‌اند. طبق آمار که در مونیخ اعلام کرده تا حالا ۵۰ هزار نفر از نیروهای سرکوبگر فعلی جمهوری اسلامی در کمپین همکاری ملی‌اش ثبت‌نام کرده‌اند و این‌ها نیروی سرنگونی رژیم خواهند بود.

به این ترتیب رضا پهلوی از نیروی حفاظت از حکومت خیالی آینده‌اش هم در این همایش رونمایی کرد و هم رو به جامعه و هم رو به پاسداران،

بسیجیان و بازجویان و شکنجه‌گران جمهوری اسلامی که ۴۶ سال است اعتراضات مردم را سرکوب می‌کنند، معترضان و فعالین سیاسی و اجتماعی را شکنجه و زندانی و اعدام می‌کنند و تجمعات اعتراضی را با سلاح‌های جنگی و ساچمه‌زن هدف قرار می‌دهند، اعلام کرد که همین قاتلین امروز مردم به دستور خامنه‌ای، بعد از سرنگونی هم به فرمان رضا پهلوی مردم را سرکوب و شکنجه و اعدام خواهند کرد و به گوله خواهند بست. به طور کلی آنچه در مونیخ گذشت نمایشی از شمه‌ای از یک حکومت ارتجاعی اشرافی و مستبد با همه عقب‌ماندگی فرهنگ‌های اشرافی‌گرایانه و پدرسالارانه آن بود که قرار است رضا پهلوی با نیروهایی که حاضرند در رکابش شمشیر بکشند، در آینده بر جامعه حاکم کند.

آنچه در سنندج گذشت:

سنندج برخلاف مونیخ سه روز صحنه تجمعات و راه‌پیمایی‌های پر شور اعتراضی زمینده، متحدانه و انقلابی زنان و مردانی بود که به خاطر جان‌باختن سه جوان پرشور طرفدار زندگی، شادی و طراوت و حفظ محیط‌زیست در جریان تلاش برای خاموش کردن آتش‌سوزی کوه "آبیدر" (کوهی که خاطراتی از رفت‌وآمد پارتیزان‌ها و دیدارهایشان با مردم و جوانان انقلابی در سال‌های بعد از انقلاب ۵۷ برای مردم سنندج به یادگار دارد) برافشانند. هزاران نفر با غم و اندوه اما مصمم برای پایان دادن به عمر رژیم که عامل قتل و جنایت و نابودی زندگی است، بیکرهای جان‌باختگان را با گل‌های سرخ و سردادن شعارهای انقلابی بدرقه کردند. هزاران نفر یک‌صد "زن، زندگی، آزادی" را فریاد زدند و به این ترتیب بر ادامه انقلابی که از سال ۱۴۰۱ شروع کرده‌اند اصرار ورزیدند. مردم با شعار "نیروی سپاه، طناب دار عامل این جنایت است" به صراحت اعلام کردند که آتش‌سوزی در کوه آبیدر، یک حادثه نبوده، بلکه کار جنایت‌کاران سپاه و دیگر مزدوران محلی حکومت بوده است. با شعار "جان‌باختگان قهرمان‌اند، دشمن به لرزه می‌اندازند" حکومت و مزدورانش را به عنوان دشمنان مردم به نبرد طلبیدند و با شعار "شهید مسجد نمی‌خواهد" در پاسخ به ملای مرتجعی که مردم را دعوت به برگزاری مجلس ختم در یکی از مساجد کرد، ضدیت خود را با اسلام و مسجد و مذهب و خرافات اعلام کردند.

با این مقایسه ساده به راحتی می‌توان به تفاوت‌های عمیق میان جریانی که می‌خواهد یک فرد را در خارج از کشور به جایگاه عبودیت برساند و حاکمیتی بر جامعه حاکم کند که احکام خود را با ابزار و نیروهای سرکوبگر رژیم فعلی، فرضاً با کمی اصلاح بر مردم جاری کند و جنبشی که می‌خواهد حاکمیتی مبتنی بر اراده مستقیم از طریق شوراها و در خدمت زندگی عموم بعد از سرنگونی رژیم و در هم شکستن همه دستگاه‌ها و ساختارهای حاکمیتی آن به روش انقلابی در میدان جنگ مستقیم با حکومت و پاسداران و آدم‌کشانش در جامعه برپا کند، پی برد.

در مقابل جریانی که سمبل و رهبر آن می‌خواهد با بندوبست با سپاه و سازمان اطلاعات به قدرت مطلقه برسد و با پشتوانه آنها البته با بازیافت و الصاق مجدد نام‌های ارتش شاهنشاهی و ساواک بر آن‌ها، حکومت خود را از گزند مردم خواهان رفاه و آزادی محافظت کند، یک جنبش انقلابی عظیم و قدرتمند در جریان است که خواست‌ها و مطالبات انسانی یک جامعه ده‌ها میلیون‌ری نمایندگی می‌کند که هر روزه در خیابان‌ها مستقیماً با حکومت و پاسداران و همه دستگاه‌های سرکوبگرش می‌جنگند و اعتراضات هزاران نفره مردم انقلابی سنندج طی سه روز در جریان خاک‌سپاری جان‌باختگان آتش‌سوزی تنها یک گوشه و پیش‌درآمدی از دوره‌ای جدید از برآمدها و خیزش‌هایی بود که بر متن شرایط جدید بعد از جنگ دوازده‌روزه سر برخواهند آورد که در نهایت با سرنگون کردن جمهوری اسلامی راه احیا و بازگشت به هر سیستم و نظامی مبتنی بر فردیت و خودکامگی چه اسلامی و چه پادشاهی و ملی را خواهد بست.*

سایر اطلاعیه‌های هفته اخیر

اعتراض به قطعی‌های آب و برق و اخباری دیگر

آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست!

اعتراضات علیه قطعی‌های آب و برق

بحران آب و برق کل جامعه را به خشم و اعتراض کشیده است. گزارشی در اول مرداد از پی‌آبی چهل‌ساعته تهران در این گرمای سوزان تابستانی خبر می‌داد. اتفاق مهمی که در سبزواری داد و خروش مردم علیه پی‌آبی با فریاد "آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست" یک نقطه عطف در مبارزات کل جامعه است. این اعتراض قدرتمند زنگ شروع دور جدیدی از اعتراضات بر سر معیشت و برای به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی را به نمایش گذاشت و امروز چهارم مردادماه مردم به‌جان آمده از قطعی‌های مکرر و طولانی مدت آب و برق در شهر خشک بیچارگیان دست به راهپیمایی زده و با شعار "آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست" و فریاد "مرگ بر پی‌کفایتی" اعتراض و خشم خود را نسبت به نابودی شیرازه زندگی توسط حکومت چپاولگران اسلامی بیان کردند.

امروز در شهرستان نورآباد ممسنی نیز شماری از مردم به‌خاطر قطعی‌های مکرر برق و سوختن وسایل برقی خانگی، در اداره برق شهرستان ممسنی تجمع و اعتراض کردند.

همچنین در روز گذشته سوم مردادماه مردم روستای برزنون در نیشابور در پی پی‌آبی مداوم به نشانه اعتراض جاده را مسدود کردند. قطعی‌های طولانی و مکرر آب، زندگی مردم ساکن در این روستا را فلج کرده و خانواده‌ها حتی برای آب شرم دچار مشکل شده‌اند. این وضعیت در عین حال موجب نابودی کشاورزی و تشنگی و تلف شدن دام‌ها شده است. روستای "برزنون" در دامنه کوه اردلان، در بخش سروایت و ۸۰ کیلومتری شمال غربی شهر نیشابور واقع است.

در سوم مردادماه مردم میرآبه از توابع ثلاث باباجانی نیز به‌خاطر پی‌آبی در مقابل بخش‌داری زمکان تجمع کردند و مردم کوچصفهان در اعتراض به قطعی پی‌درپی و طولانی مدت برق مقابل اداره برق این شهر تجمع داشتند. در میرآبه تجمع مردم با برخورد فیزیکی مأموران و پخشدار مواجه شدند. در مرودشت درحالی که زیر فشار اعتراضات گسترده مردمی خبرنگاران جمهوری اسلامی می‌خواستند گزارشی تهیه کنند، مردم با خشم فراوان فریاد اعتراضشان را علیه پی‌آبی بلند کردند.

طبق خبرها برق در کوچصفهان و دیگر نقاط گیلان روزانه دست کم ۴ ساعت قطع می‌شود. در برخی روستاها قطعی‌های برق حتی به ۶ ساعت در روز می‌رسد و این وضعیت باعث مختل شدن روند عادی زندگی و کسب‌وکار مردم شده و آسیب جدی به لوازم برقی از جمله یخچال، کولر و تلویزیون آنها وارد کرده است.

تجمع اعتراضی مردم بلده در آمل علیه معادن مرگبار

روز سوم مرداد جمعیت قابل‌توجهی از مردم بلده در آمل در پی حوادث تلخ و مرگبار اخیر در معادن این منطقه، تجمع و اعتراض کردند. مردم معترض با فریاد شعارهای "معدن‌دار حیا کن، منطقه رو رها کن"، "معادن تعطیل باید گردند" خواستار توقف فعالیت این معادن شدند. حضور زنان در این تجمع اعتراضی چشمگیر بود. در ماه‌های اخیر چندین نفر به‌خاطر ناامنی‌های معادن جان خود را از دست داده‌اند.

حضور گسترده مردم در مراسم خاک‌سپاری حمید مرادی فعال محیط‌زیست

روز جمعه سوم مرداد شمار بسیاری از مردم سنندج در مراسم خاک‌سپاری حمید مرادی، وکیل و فعال محیط‌زیست، در سنندج شرکت کردند. حمید مرادی روز پنج‌شنبه دوم مرداد به دلیل سوختگی شدید در جریان مهار آتش‌سوزی کوه آبدرد جان باخت. بنا بر گزارشات در جریان تلاش‌ها برای مهار آتش‌سوزی آبدرد پنج نفر از فعالان محیط‌زیست دچار سوختگی شدند که حمید مرادی و محسن حسین‌پناهی به دلیل شدت جراحات در بخش مراقبت‌های ویژه و خبات امینی، چیاکو یوسفی‌نژاد و مصطفی هژیر در بخش عمومی بیمارستان بستری شدند، اما بعداً متأسفانه حمید مرادی به دلیل شدت جراحات جان خود را از دست داد. جان‌باختن حمید مرادی را به خانواده‌اش و به مردم شهر سنندج تسلیت می‌گوییم.

گردهمایی مردم منطقه نوگندی در بلوچستان

روز پنج‌شنبه ۲ مرداد، صدها تن از اهالی منطقه نوگندی شرق بلوچستان در اعتراض به مشکلات معیشتی خود به دلیل بسته‌شدن مرز دست به گردهمایی زدند و خواستار بازگشایی مرز برای امرامعاش شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مرداد ۱۴۰۴، ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵

بهر روز احسانی و مهدی حسنی اعدام شدند

جمهوری اسلامی به جنایاتش همچنان ادامه می‌دهد. حکومت به دنبال جنگ و ضربات مهلکی که خورد و آتش‌بس، بر سرکوبگری‌هایش شدت داده و بر شمار اعدام‌ها افزوده است. بنا بر خبرها امروز پنجم مردادماه دو زندانی سیاسی به اسامی بهروز احسانی اسلاملو و مهدی حسنی در زندان قزل‌حصار اعدام شدند. آنها در جریان انقلاب زن زندگی آزادی در سال ۱۴۰۱ دستگیر شده و خانواده‌هایشان ماه‌ها در حالت پی‌خبری نگه داشته شدند. این دو با اتهاماتی نظیر "بغی، محاربه، افساد فی‌الارض، عضویت در مجاهدین و اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی" به اعدام محکوم شده بودند. حزب کمونیست کارگری جان‌باختن این دو فعال سیاسی را به خانواده و دوستان آنها و به مردم تسلیت می‌گوید.

کارزارها و جنبش علیه اعدام در سطوح مختلف جریان دارد. همچنین اعتراضات مردم خشمگین علیه قطعی برق و آب گسترده است و هر روز ابعاد وسیع‌تری به خود می‌گیرد. درحالی که مجلس اسلامی لایحه دوفوریتی سرکوبگرانه دولت جهت مقابله با انتشار "محتوای خبری خلاف واقع" در فضای مجازی را تصویب کرد و حکومت بر سرکوبگری‌های خود شدت داده است، فضای جامعه هر روز اعتراضی‌تری می‌شود. در سبزواری مردم با فریاد "آب، برق، زندگی، حق مسلم است" نقطه عطفی در مبارزات مردمی را رقم زدند. بازنشستگان نیز یکشنبه‌های اعتراضی خود را از سر گرفته‌اند. اعتراضات گسترده مردمی همراه با کارزار قدرتمند "هم‌صدا شویم" علیه اعدام و زندان پاسخ مردم به حکومت جنایت‌کار اسلامی است و عزم جامعه را برای به پیروزی رساندن انقلاب ناتمام خود به نمایش می‌گذارد. در مقابل حکومت آدمکش اسلامی باید به هر شکل ممکن این جنبش را گسترش داد و تقویت کرد. جمهوری اعدا می‌را با ادامه انقلاب زن زندگی آزادی سرنگون خواهیم کرد و به کل این توحش و آدمکشی پایان خواهیم داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ مرداد ۱۴۰۴، ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۵

اعتراضات در مناطق مختلف علیه مشکلات معیشتی و قطعی آب و برق

تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی در کرمانشاه و تهران

امروز پنجم مردادماه بازنشستگان تأمین اجتماعی در اعتراض به فقر، گرانی، بی‌تامینی، اختلاسگری‌ها و جنگ‌افروزی‌های حکومت و سرکوبگری‌های آن در کرمانشاه و تهران بار دیگر به خیابان آمدند و در مقابل تأمین اجتماعی تجمع کردند.

کرمانشاه همواره یک کانون داغ اعتراضات بازنشستگان بوده و شعارهای آنها فریاد اعتراض کل جامعه است. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار می‌دادند: "غنی‌سازی زندگی، حق مسلم ماست"، "ظلم و ستم فراوان، ما رو کشانند خیابان"، "فقط کف خیابان، به دست میاد حقمان"، "نه تأمین، نه کانون، فقط کف خیابون"، "خیابان، خیابان، سنگر زحمت‌کشان"، "منزلت، معیشت، دزدیده شد از ملت"، "بی‌آبی، بی‌برقی، نابود شده زندگی"، "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد"، "نه جنگ میخوایم، نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار"، "آب و برق و زندگی، رفاه و آزادی، حق مسلم ماست"، "همبستگی، اتحاد، چاره ظلم و بیداد"، "اختلاس‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "جنگ‌افروزی کافیه، سفره ما خالیه"، "معلم زندانی، کارگر زندانی/آزاد باید گردد"، و "کارگر، معلم، شاغل و بازنشسته، اتحاد، اتحاد".

در تهران بازنشستگان تأمین اجتماعی و معلمان بازنشسته تجمع مشترک داشتند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. این بازنشستگان شعار می‌دادند: "معوقات فروردین پرداخت باید گردد"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، با این حقوق‌ناچیز، جان‌ها به لب رسیده"، "اتحاد اتحاد، علیه ظلم و فساد"، "کارگر زندانی، معلم زندانی. آزاد باید گردد"، و "بی‌آبی، بی‌برقی، مشکل و درد مردم".

تجمع بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۳ در تهران

روز پنجم مردادماه گروهی از بازنشستگان فرهنگی ورودی ۱۴۰۳ در تهران در اعتراض به عدم پرداخت پاداش پایان خدمت و خلف وعده‌ها و برای پیگیری مطالبات خود بار دیگر مقابل ساختمان وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی جمعیت از جمله شعار می‌داد: "کاظمی دروغگو کار کارستونت کو". در این تجمع یکی از فرهنگیان بازنشسته با خشم فریاد زد: "مستول بیا پایین"، "ازیس که گولمون زدن، معلم سکوت کنه همین میشه!" سپس با صدایی بغض‌آلود و خشمگین فریاد زد: "اگر پاداش ما را ندهند، من خودم را آتش می‌زنم!".

بازنشستگان معترض با شعار "غنی‌سازی زندگی حق مسلم ماست" سیاست‌های جنگ‌افروزان حکومت که فقر و فلاکت گسترده را بر جامعه تحمیل کرده را به چالش کشیدند.

اعتراض به نبود آب و برق در سبزوار

امروز پنجم مردادماه بار دیگر مردم در سبزوار علیه نبود آب و برق به خیابان آمدند. این گردهمایی با هجوم نیروهای امنیتی روبرو شد و بنا بر گزارشات محلات نجارآباد، کاشفی و خیابان‌های پیرامون بیمارستان مبینی میدان درگیری میان مردم و مزدوران انتظامی و لباس شخصی بود.

تجمع مال‌باختگان در شاهرود

امروز همچنین جمعی از متقاضیان طرح نهضت ملی مسکن با حضور مقابل فرمانداری شاهرود در اعتراض به عدم شفافیت در روند اجرای آن و چپاولگری‌ها دست به تجمع و اعتراض زدند.

تجمع تولیدکنندگان گندم در کرمانشاه

تولیدکنندگان گندم در کرمانشاه در اعتراض به تأخیر طولانی در پرداخت پول گندم‌های تحویل شده به دولت و خلف وعده‌ها با فریاد "وعده وعید چه خوب بود، اما همش دروغ بود" تجمع کردند.

تجمع کسبه مجتمع ونوس منطقه آزاد انزلی

امروز شمار قابل توجهی از کسبه مجتمع ونوس در منطقه آزاد انزلی در اعتراض به آتش‌سوزی در انبار پوشاک در این منطقه که در ۳۱ تیر روی داد و خسارت بسیاری به آنها وارد شد، تجمع کردند. این آتش‌سوزی از یکی از انبارهای پوشاک در طبقه دوم آغاز شد و هیچ نهادی مسئولیت آن را به عهده نمی‌گیرد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ مرداد ۱۴۰۴، ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۵

ادامه اعتراضات به قطعی‌های آب و برق

آب، برق، زندگی، حق مسلم ماست!

تجمع مردم و صنعتگران چهاردانگه

امروز شنبه ۴ مردادماه، جمعی از مردم و صاحبان واحدهای صنعتی شهرک صنعتی چهاردانگه تهران، با برگزاری تجمع اعتراضی، نسبت به قطعی‌های مکرر برق دست به اعتراض زدند. بنا بر خبرها این خاموشی‌ها موجب خسارات سنگین به ماشین‌آلات، توقف خطوط تولید، زیان مالی گسترده و بیکارسازی‌ها شده است. یکی از کارگران معترض در تجمع می‌گوید: "برق نداریم، تولید نمی‌چرخد، کارگر بیکار می‌شود. ما با بی‌برنامگی نابود می‌شویم!"

گردهمایی صنعتگران شهرک‌های صنعتی خرم‌دشت و سیاه سنگ

امروز شنبه چهارم مرداد ما صنعتگران شهرک‌های صنعتی "خرم‌دشت" و "سیاه سنگ" در پردیس در استان تهران در اعتراض به قطع برق، که به تعطیلی کارگاه‌ها و اختلال در زندگی مردم انجامیده در برابر اداره برق تجمع کردند.

قطعی برق بازار صالح‌آباد تهران

قطعی‌های برق امروز موجب تعطیلی اجباری واحدهای صنفی در بازار صالح‌آباد تهران شد. این قطعی‌ها اشتغال و معیشت مردم را به خطر انداخته است.

تجمع اعتراضی مرغداران در خراسان رضوی

جمعی از مرغداران مرغ تخم‌گذار استان خراسان رضوی در اعتراض به وضعیت بحرانی صنعت مرغداری و مشکلات کاری و معیشتی خود تجمع کردند و یک موضوع اعتراض آنها به اتحادیه مرغداران است که خود به ابزاری برای فشار و حذف مرغداران تبدیل شده است.

بحران آب و برق جامعه را به تعطیلی و نابودی کشانده است. اعتراض علیه قطعی‌های آب و برق گسترده‌تر شده و مردم با فریاد "آب، برق، زندگی" علیه نابودی زندگی اجتماعی توسط حکومت چپاولگران اسلامی به میدان می‌آیند. این اعتراضات بر سر زندگی و در تداوم انقلاب زن زندگی آزادی است. پاسخ بحران آب و برق اعتراضات گسترده، متحد و سراسری است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مرداد ۱۴۰۴، ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵

**زندانی سیاسی
آزاد باید گردد!**

تجمعات اعتراضی کارگران رسمی نفت از سر گرفته شد، و اخباری دیگر

حمله به زندانیان سیاسی در قزل حصار محکوم است دیدار همبستگی با اسماعیل گرامی و مهدی معرف

امروز ششم مردادماه کارگران رسمی در مراکز متعددی از نفت دست به تجمع و اعتراض زدند. این اعتراضات در ادامه اعتراضات قبلی این کارگران به خاطر سطح نازل حقوقها، کاهش دستمزدها به دلیل تعیین سقف و کف حقوق، و کسورات مزدی شان صورت می گیرد. کارگران بنا بر اولتیماتومی قبلی و در اعتراض به خلف وعدهها در صبح این روز در شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت ۲)، نفت و گاز پارس سکوهای ۴۰ گانه‌ی POGC، پالایشگاه گاز فجر جم، شرکت نفت و گاز پارس عسلویه (سایت یک)، شرکت مجتمع گازی پارس جنوبی SPGC در پالایشگاههای اول، دوم، نهم، هفتم، دوازدهم، و ستاد برگزار شدند. این کارگران دوشنبه‌ها را روز اعتراضی خود تا رسیدن به خواست‌هایشان اعلام کرده‌اند. خواست فوری آنها افزایش دستمزدها و حذف سقف حقوق است.

اعتصاب کارگران شرکت وزان شعبه ایرانشهر

بنا بر خبرهای منتشر شده از سوی گزارشگران بلوچ امروز دوشنبه ۶ مرداد شمار زیادی از کارگران بلوچ شرکت وزان شعبه ایرانشهر به دلیل عدم پرداخت حقوق سهامه خود در محوطه این شرکت اعتصاب کرده‌اند. اعتصاب کارگران شرکت وزان در ایرانشهر نمادی از وضعیت بحرانی کارگران زحمت کشی است که با وجود نقش حیاتی‌شان در اجرای پروژه‌های عمرانی، از حداقل حقوق خود نیز محروم مانده‌اند. این کارگران، که با دست‌های پینه‌بسته و لباس‌های فرسوده چرخ پروژه‌ها را می‌چرخانند، برای دریافت ابتدایی‌ترین حق خود، یعنی دستمزد، نیز ناچار به اعتراض هستند.

اعتراض نانوایان در تهران!

امروز دوشنبه نانوایان در تهران در اعتراض به بساط مافیایی نانوینو، پرداخت نشدن یارانه و هزینه‌های سنگین و در آمد پایین و نیز علیه مصوبه جدید کسب‌وکار حکومت در مقابل "اتحادیه نانوایان تهران" تجمع کردند و پیگیر مطالبات خود شدند.

تجمع کارگران پیمانکاری اخراجی پتروشیمی ارغوان گستر

روز ششم مردادماه کارگران پیمانکاری اخراجی شرکت "پتروشیمی ارغوان گستر" در برابر استانداری، در اعتراض به بیکاری و با خواست بازگشت به کار خود تجمع کردند.

تجمعات اعتراضی بازنشستگان

روز پنجم مردادماه جمعی از بازنشستگان شرکت هواپیمایی ایران ایر در اعتراض به شرایط نابسامان زندگی با فریاد شعار "شاغل و بازنشسته/ اتحاد، اتحاد" مقابل شرکت تجمع کردند. در این روز همچنین بازنشستگان تأمین اجتماعی در چندین شهر تجمع داشتند که علاوه بر شهرهای کرمانشاه و تهران که قبلاً گزارش کردیم، بنا بر آخرین گزارشات در روز گذشته این بازنشستگان در اراک و رشت نیز تجمع داشتند. اعتراض بازنشستگان به فقر و بی‌تامینی، تبعیض و نابرابری و بساط چپاول و سرکوبگری‌های حکومت است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مرداد ۱۴۰۴، ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۵

بر اساس اخبار منتشر شده صبح روز شنبه چهارم مرداد بیش از ۱۰۰ نفر از نیروهای مسلح گارد ویژه، به دستور مستقیم الله کرم عزیزی، رئیس زندان قزل حصار، و معاون او، حسن قبادی، با همراهی مأموران وزارت اطلاعات، مسئولان حفاظت و پاسداران بند، به واحد ۴ زندان - که محل نگهداری زندانیان سیاسی است - یورش بردند. این یورش با حضور افرادی از جمله اسماعیل فرج‌نژاد (معاون زندان)، حسین کمره‌ای (رئیس حفاظت)، محمد سبزه‌مکان، رحیم فیضی، احمد شیرازی و فردی به نام فلاح صورت گرفت. در جریان آن، زندانیان با شدت تمام مورد ضرب و شتم، شکنجه و رفتارهای غیرانسانی قرار گرفتند.

در ادامه این سرکوب خشونت‌بار، مأموران زندان قزل حصار با استفاده از دستبند، پابند و کیسه‌کشی روی سر زندانیان، آنان را به شدت مجروح کرده و سپس آنان را به سلول‌های انفرادی منتقل کردند. از زمان این یورش هیچ تماسی از سوی زندانیان با خانواده‌هایشان برقرار نشده و سلامت آنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

حزب کمونیست کارگری این یورش ددمشانه را به شدت محکوم کرده و همگان را به حمایت از این زندانیان فرا می‌خواند. هم اکنون کارزاری قدرتمند تحت عنوان "هم‌صدا شویم" که حدود شصت نهاد و گروه مدنی و سیاسی و شمار بسیاری از فعالین سیاسی - اجتماعی به آن پیوسته‌اند و در داخل ایران نیز به یک گفتمان وسیع تبدیل شده، در جریان است. وسیعاً به این کارزار بپیوندیم.

دیدار همبستگی با اسماعیل گرامی و مهدی معرف

عصر روز پنجم مردادماه جمعی از فعالان صنفی معلم، فعالان کارگری و فعالان بازنشستگان با اسماعیل گرامی، که به تازگی از زندان تهران بزرگ آزاد شده است، دیدار کردند و بدین گونه بر مبارزات او ارج گذاشتند. اسماعیل گرامی فعال حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی با پایان حبس یک‌ساله خود در سی‌ام تیرماه از زندان تهران بزرگ آزاد شد. همچنین در چهارم مردادماه جمعی از فعالان صنفی معلمان و کارگران البرز جهت قدردانی از مهدی معرف، معلم آزادی‌خواهی که به شش ماه انفصال از خدمت محکوم شده، دیدار کردند. در این دیدار، حاضران ضمن ارج نهادن به تلاش‌های مهدی معرف در مسیر مطالبه‌گری و روشنگری آموزشی، بر اعلام همبستگی با همه فعالان صنفی و مدنی که از حقوق اجتماعی و مدنی محروم شده‌اند، تأکید کردند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان در گزارش خبری این دیدار می‌نویسد: "انفصال خدمت و اخراج و زندان و دیگر محرومیت‌های اجتماعی، هرگز خلی در اراده کنشگران صنفی و فعالان مدنی و مسیر مطالبه‌گری ایجاد نخواهد کرد. این فعالان صنفی، آزادی و عدالت را از ملزومات زیست خود دانسته و اتحاد و همبستگی و هم‌صدایی تمامی فعالان صنفی و مدنی و حضور آنان در محافل عمومی را از مهم‌ترین راه‌های نجات جامعه از ظلم و فساد، نابرابری و بی‌عدالتی‌های موجود می‌دانند."

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مرداد ۱۴۰۴، ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۵

حکومت اسلامی نابود باید گردد!

تجمع اعتراضی علیه بی برقی در چهاردانگه و اخباری دیگر

تجمع اعتراضی کسبه و صاحبان واحدهای تولیدی در چهاردانگه

روز دوشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۴، گروهی از کسبه و صاحبان واحدهای تولیدی شهرک صنعتی چهاردانگه در استان تهران، در اعتراض به قطعی‌های مکرر برق، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. تجمع‌کنندگان با اشاره به خسارات سنگین ناشی از این خاموشی‌ها اعلام کردند که ادامه این وضعیت، فعالیت بسیاری از واحدهای تولیدی را با خطر تعطیلی مواجه کرده است. قطعی‌های برق علاوه بر کسبه و صاحبان تولیدی موجی از بیکارسازی‌ها و مشکلات معیشتی برای کارگران در مراکز صنعتی ایجاد کرده و وضعیت اعتراضی کل جامعه را شدت داده است.

تجمع اعتراضی متقاضیان مسکن ملی در کاشان و ریاط کریم

پروژه‌های مسکن ملی و بالا کشیدن اندوخته‌های مردم بدون اینکه مسکنی در کار باشد اعتراضات بسیاری در شهرهای مختلف را به دنبال داشته است. روز ۶ مرداد جمعی از متقاضیان مسکن ملی کاشان در اعتراض به خلف وعده‌ها و عدم تحویل مسکن، در حرکتی اعتراضی به سمت استانداری اصفهان راهپیمایی کردند. در روز ۴ مرداد نیز جمعی از متقاضیان طرح مسکن ملی در ریاط کریم مقابل دادگستری این شهر تجمع کردند و صدای اعتراض خود را علیه روند کند اجرای پروژه‌ها و خلف وعده‌های صورت گرفته اعلام کردند. به گفته تجمع‌کنندگان علی‌رغم گذشت چند سال از زمان ثبت نام و پرداخت مبالغ اولیه، هیچ‌گونه اقدامی در جهت ساخت و تحویل واحدها صورت نگرفته است و کسی پاسخگو نیست.

گرامیداشت یاد مهدی حسنی و بهروز احسانی در زندان قرچک

شامگاه یکشنبه ۵ مردادماه، زندانیان سیاسی زندان قرچک ورامین با برگزاری مراسمی در راهروی قرنطینه این زندان، یاد مهدی حسنی و بهروز احسانی، زندانیان سیاسی که در سحرگاه همان روز اعدام شدند را گرامی داشتند. این مراسم با اجرای سرودهایی مانند "خون ارغوان‌ها" و با سردادن شعارهایی در اعتراض به صدور و اجرای احکام اعدام برگزار شد. این زندانیان در واکنش به تبعید سعید ماسوری، خواستار پایان دادن به رفتارهای غیرانسانی با زندانیان سیاسی و پاسخگویی مسئولان نسبت به سرکوب‌های رخ داده در زندان قزل‌حصار کرج شدند. هم‌اکنون کارزاری جهانی علیه اعدام و در حمایت از زندانیان سیاسی با گفتمان "هم‌صدا شویم" جاری‌ست. به این کارزار بپیوندیم.

جنبش علیه اعدام بازتاب جهانی گسترده‌ای داشته است. از جمله روز دوشنبه ۶ مرداد فولکر تورک کمیسر سازمان ملل خواستار لزوم "تعلیق فوری" اجرای مجازات اعدام در ایران شد. او در بیانیه‌ای بر لزوم "تعلیق فوری اجرای" مجازات اعدام در ایران تأکید کرد. او متذکر شد که تا این زمان از سال جاری میلادی چند صد مورد اعدام در ایران رخ داده نشان می‌دهد که "وضعیت تا چه حد عمیقاً آزاردهنده شده" است. در این بیانیه بر ۶۱۲ اعدام از آغاز سال جاری میلادی تا کنون اشاره شده است که بیش از دوبرابر تعداد افرادی است که در همین دوره زمانی در سال ۲۰۲۴ اعدام شدند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مرداد ۱۴۰۴، ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۵

تداوم کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام"

امروز هفتم مردادماه کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در ۴۸ زندان کشور به هفته هفتاد و نهم خود وارد شد. این حرکت اعتراضی گسترده علی‌رغم حمله حکومت در چهارم مردادماه به زندان قزل‌حصار، این کانون داغ

اعتراض و انتقال زندانیان سیاسی به سلول‌های انفرادی و تبعید سعید ماسوری از اعضای این کارزار به زاهدان، تداوم یافت. در واکنش به این اقدام جنایت‌کارانه حکومت، زندانیان در زندان‌های قرچک و تهران بزرگ با سردادن شعار و برگزاری مراسم، اعتراض خود را علیه اعدام‌ها فریاد زدند و بر توقف اعدام پافشاری کردند.

در بیانیه هفتگی این کارزار به اعدام دست‌کم ۲۰ نفر در زندان‌های مختلف کشور و حداقل ۱۴۷۷ اعدام در دوره یک‌ساله ریاست‌جمهوری پزشکیان و به گفته محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه مبنی بر دستگیری بیش از دو هزار نفر فقط در جریان "جنگ ۱۲ روزه" اشاره شده و می‌نویسد: "ما، اعضای کارزار، بر این باوریم که هدف حاکمیت از این خشونت‌های بی‌وقفه، ایجاد وحشت و به سکوت کشاندن جامعه‌ای است که با وجود همه فشارها، همچنان بر خواست برحق خود برای عدالت، آزادی، کرامت انسانی و حق سرنوشت خویش پافشاری می‌کند". در این بیانیه بار دیگر از عموم وجدان‌های بیدار و آزادی‌خواه داخلی و بین‌المللی خواسته شده که فریاد «نه به اعدام» را با حمایت فعال خود از کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام، هرچه بلندتر سازند و گسترش این کارزار را - علی‌رغم تلاش حکومت - با تمام امکانات در دستور کار خود قرار دهند و خانواده‌های زندانیان اعدام‌شده و اعضای کارزار را تنها نگذارند. بیانیه در مورد در خطر بودن جان زندانیان سیاسی در زندان قزل‌حصار و دیگر زندان‌های ایران هشدار داده است.

همزمان با برگزاری هفتاد و نهمین هفته کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در ۴۸ زندان کشور، خانواده زندانی سیاسی محکوم به اعدام، وحید بنی‌عمریان در این هفته نیز با در دست داشتن بنر اعدام نکنید، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، خواستار توقف اجرای احکام اعدام شده و حمایت خود را از سه‌شنبه‌های نه به اعدام و آزادی زندانیان سیاسی اعلام کردند.

از کارزار سه‌شنبه‌ها نه به اعدام حمایت کنیم و هم‌صدا علیه اعدام و زندان به پا خیزیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ مرداد ۱۴۰۴، ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۵

اعتصاب نانوایان در قشم و اخباری دیگر

اعتصاب نانوایان در قشم

اعتراضات نانوایان به مشکلات معیشتی همچنان جریان دارد. در ششم مرداد نانوایان تهران تجمع و اعتراض داشتند و در همین روز جمعی از نانوایان قشم در اعتراض به بساط مافیایی نانیو، پرداخت نشدن یارانه و هزینه‌های سنگین و در آمد پایین و نیز علیه مصوبه جدید کسب‌وکار حکومت دست به اعتصاب زدند. به گفته نانوایان حمل آرد و تأمین مواد اولیه در قشم به دلیل وابستگی به شناورها و مسیرهای دریایی، هزینه‌برتر از دیگر شهرستان‌های هرمزگان است؛ در حالی که نرخ مصوب، این تفاوت را لحاظ نمی‌کند. خواست نانوایان لغو این مصوبه است. این نانوایان تداوم شرایط فعلی را خطری برای به تعطیلی کشیده شدن گسترده‌تر واحدها و بروز مشکلات معیشتی در سطح جزیره اعلام کردند. بنا بر خبرها در حال حاضر، نان در برخی نقاط قشم به‌سختی پیدا می‌شود و خانواده‌ها برای تهیه آن با چالش‌هایی روبه‌رو هستند.

ازکارافتادن ۹۰۰ کامیون دیزلی در منطقه سیستان

شش ماه است که حدود ۹۰۰ کامیون دیزلی در منطقه سیستان به دلیل "قضایی شدن کارت‌های سوخت" از کار افتاده‌اند. این کامیون‌ها ستون فقرات حمل‌ونقل محلی و معیشت هزاران خانواده بودند. به گفته رانندگان، این خودروها عمدتاً به شکل شراکتی بین چند خانواده اداره می‌شوند و اکنون بیش از ۳ هزار نفر مستقیماً تحت تأثیر این بحران قرار گرفته‌اند. ضمن اینکه شش ماه است که نتوانستند اند حتی یک لیتر گازوئیل بزنند و زندگی‌شان ساقط شده است. کسی هم جوابگو نیست.

این رانندگان پیگیر خواست‌هایشان هستند.

اقتصاد سیستان تا حد زیادی وابسته به حمل‌ونقل جاده‌ای و توزیع محلی کالا و مصالح است و اکنون دچار یک انسداد جدی شده است.

به مخاطره افتادن پرداخت حقوق هجده هزار کارگر ذوب‌آهن اصفهان

اردشیر افضلی، مدیر ذوب‌آهن اصفهان، از معطل ماندن حقوق ۱۸ هزار کارگر این شرکت در پی مسدودی حساب‌های آن خبر داد. حساب‌های شرکت ذوب‌آهن اصفهان توسط سازمان امور مالیاتی مسدود شده است. افضلی بهانه شرایط پساجنگی را بهانه و مشکلات بخش تولید را علت عدم پرداخت مالیات قید کرده است. در میان نزاع‌های این دزدان پرداخت حقوق هجده هزار کارگر ذوب‌آهن به مخاطره افتاده است. در رسانه‌های حکومت از عواقب این موضوع و سریند کردن اعتراضات کارگران هشدار داده می‌شود. به طور واقعی ذوب‌آهن اصفهان آبستن اعتراضاتی گسترده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مرداد ۱۴۰۴، ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۵

۸ مرداد: اخباری از اعتراضات در مناطق مختلف

- امروز ۸ مرداد اپراتورهای برق تهران در اعتراض به قراردادهای موقت و ناعادلانه و تبعیض آشکار در پرداخت حقوق و پاداش‌ها و رانت‌خواری‌ها در لابی ساختمان ستادی شرکت تجمع کردند.

- در صبح این روز کارگران شرکت ملی کشت و صنعت و دامپروری پارس در پارس آباد مغان نیز در اعتراض به تأخیر چندماهه پرداخت حقوق و خلف وعده‌ها مقابل ساختمان اداری شرکت تجمع کردند.

همچنین در ادامه اعتراضات علیه بی‌آبی و قطعی‌های برق امروز مردم شهرستان خمام در استان گیلان نسبت به قطعی‌ها بار دیگر تجمع و اعتراض کردند. مردم خمام روز قبل نیز با شعار "برق قطع بشه، اعتراض هر روز میشه" تجمع داشتند که اعتراض آنها با یورش وحشیانه نیروی انتظامی روبرو شد. طبق گزارشات منتشر شده شب قبل از تجمع یک نفر به دلیل انتشار فراخوان اعتراضی در اینستاگرام خود بازداشت شد. سرانجام زیر فشار این اعتراضات به مردم خمام وعده داده شده قطعی‌ها را از چهار ساعت به یک ساعت در روز کاهش خواهند داد. چند روز قبل نیز مردم کوچصفهان در همین استان در همین رابطه تجمع داشتند و خبر دیگر مربوط به تجمع جمعی از اعضای تعاونی مسکن کارگری شرکت داروپخش در روز گذشته در مقابل ساختمان شرکت است. تعیین تکلیف فوری زمین‌های پروژه سرحدآباد کرج که سال‌هاست بلا تکلیف مانده و حقوق کارگران پایمال شده مطالبه فوری آنهاست و این دومین تجمع رسمی این کارگران در کمتر از یک ماه گذشته است.

بعلاوه قبلاً از تجمعات کارگران رسمی در مناطق مختلف نفتی در روز ششم مردادماه گزارش دادیم. بنا بر اخبار تکمیلی در این روز کارگران رسمی شرکت نفت در فلات قاره در سیری نیز تجمع داشتند. اهم مطالبات کارگران رسمی نفت عبارت‌اند از: پرداخت کامل حقوق به حق همکاران، حذف سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات، بازگردانده شدن مالیات‌های اخذ شده طبق قوانین موجود، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت کامل بک پی آن، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق‌های ورشکسته

آخرین خبر اینکه در روز گذشته هفتم مردادماه مردم در سقز در گرامیداشت یاد سه فعال محیط‌زیست حمید مرادی، چیاکو یوسفی نژاد و خبات امینی که در جریان آتش‌سوزی در کوه آبیدر سنندج جان باختند، تجمع پرشکوهی در پارک مولوی این شهر بر پا کردند. در همین رابطه در این هفته تجمعات بزرگی در شهر سنندج برگزار شد. اتحادیه تشکل‌های کامیون‌داران و رانندگان سراسر ایران نیز طی پیامی جان‌باختن این فعالین را

تسلیت گفت. در بخشی از پیام چنین آمده است: "این حادثه دردناک، نه فقط یک فاجعه زیست‌محیطی، بلکه نمادی از مظلومیت مردمانی است که خود داوطلبانه، بی‌هیچ پشتیبانی دولتی و امکانات اولیه، به میدان مهار آتش می‌روند؛ درحالی که هیچ‌یک از نهادهای مسئول، کمترین واکنش عملی و مؤثر برای جلوگیری از فاجعه نشان ندادند. آیا در قرن بیست‌ویکم، در کشوری با منابع عظیم، جان عزیزترین سرمایه‌های انسانی این‌گونه باید در میان شعله‌های بی‌تدبیری بسوزد؟ سکوت و بی‌عملی در برابر چنین فجایی، زخمی بر وجدان جمعی ماست."

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مرداد ۱۴۰۴، ۳۰ ژوئیه ۲۰۲۵

گرامی باد یاد صابر آسایش کارگری که در محیط کار به قتل رسید

در چهارم مرداد در شرکت نفت گچساران جنابتی روی داد که در جریان آن صابر آسایش کارگران ارکان ثالث جاننش را از دست داد. شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت در بیانیه‌ای تحت عنوان "صابر آسایش همکار ارکان ثالث ما را کشتند" در مورد شرح ما وقع چنین می‌نویسد: "حوالی ظهر آن روز در گرمای کشنده پنجاه درجه جنوب در شرکت نفت گچساران در منطقه‌ای به اسم سولابدر، کارفرمای ظالم و جنایت‌کار به جای استفاده از جرثقیل، کارگران غیررسمی (پیمانکاری یا ارکان ثالث) را مجبور کرد که لوله‌های ضایعاتی را به طور دستی جمع کنند. در جریان این کار بر اثر سقوط لوله، پای صابر عزیز ما شکست. به دنبال این اتفاق دلخراش، همکاران با اورژانس شرکت نفت در گچساران تماس گرفتند، اما جواب دادند که چون صابر نیروی رسمی نیست به آنها مربوط نمی‌شود و از فرستادن آمبولانس خودداری کردند. تا بالاخره ۴ ساعت بعدش با التماس و ریزینی و خواهش همکاران و درعین حال ترس از عواقب کار، بالگرد فرستادند. اما دیگر دیر بود و باکمال تأسف صابر جوان ما بر اثر خونریزی طولانی جان خود را از دست داد. بدین گونه او به قتل رسید."

در واکنش به این جنایت آشکار فضایی از اعتراض برپا شده است. روز سه‌شنبه هشتم مردادماه جمعی از کارگران ارکان ثالث شرکت نفت (انبار نفت ری)، با در دست گرفتن پلاکاردهایی اعتراضی پیرامون مرگ صابر آسایش صدای اعتراض خود را بلند کردند و نوشتند: "این فاجعه، فقط یک حادثه نیست؛ نمادی است از درد مشترک همه ما. سکوت در برابر چنین بی‌عدالتی‌هایی، خیانت به تلاش و رنج تمام کارگران است. ما نه فراموش می‌کنیم، نه تنها می‌مانیم. دست در دست هم، با صدایی واحد، برای امنیت، عزت و کرامت نیروی کار می‌ایستیم."

در همین رابطه جمعی از کارگران صنعت نفت در گچساران طی بیانیه‌ای با عنوان "تبعیض در جان، تبعیض در درمان، تبعیض در عدالت!"، نوشتند: درگذشت صابر آسایش را به عنوان نماد ستم نهادینه شده بر نیروی کار پیمانکاری اعلام می‌داریم. مرگی که نه طبیعی بود، نه تصادفی، بلکه محصول مستقیم بی‌تفاوتی، تبعیض و سیاست‌های غلط مدیرانی است که سال‌هاست جان انسان‌ها را در پای منافع و بی‌کفایتی قربانی کرده‌اند."

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نیز در بیانیه خود ضمن اعلام تسلیت و همدردی با خانواده صابر آسایش و همکاران خود در گچساران نوشت: "عزیزان ما همه باید علیه این جنایت آشکار هم‌صدا هستیم. نباید اجازه داد که بازهم چنین جنایاتی به‌خاطر قلدری و مفت‌خوری مشتی جنایت‌کار سودجو اتفاق بیفتد. با اعتراضی متحد علیه این جنایت، بساط پیمانکاران مفت‌خور را از محیط‌های کارمان جمع کنیم. غنی‌سازی زندگی یعنی محیط کار امن و به‌دور از تبعیض و ستم. یعنی زن زندگی آزادی. ما دادخواهیم."

حزب کمونیست کارگری جان‌باختن صابر آسایش را به خانواده و

محیطزیست "شنه نوزین کردستان" در جریان مهار آتش زخمی شدند که متأسفانه حمید مرادی یکی از فعالین محیطزیست و وکیل دادگستری در جریان مهار آتش جان باخت.

لازم به ذکر است که اخیراً شهرداری سنندج اقدام به فنس کشی (ایجاد حصارکشی فلزی) بخشی از کوه آبیدر و تخریب قسمتی از مراتع محدوده «کانی سنگ شکین» نموده بود که دو هفته قبل از انفجار و آتشسوزی کوه آبیدر، (جمعه ۲۰ تیرماه ۱۴۰۴) جمع کثیری از مردم شهر سنندج و فعالین مدنی و زیست محیطی، با شرکت وسیع خود در کوه آبیدر تجمع اعتراضی برپا کرده و فنس کشی توسط شهرداری در محدوده «کانی سنگ شکین» در دامنه کوه آبیدر را محکوم کردند. حمید مرادی به عنوان فعال محیطزیست و وکیل دادگستری توانست با استناد به مفاد قوانین زیست محیطی و با سازماندهی این تجمع اعتراضی در کوه آبیدر مانع از اجرای این طرح شود.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران جان باختن حمید مرادی را به خانواده و دوستان او و مردم سنندج صمیمانه تسلیت می گوید. جان باختن حمید مرادی، شریف باجورها و دهها چهره محبوب، فداکار و دلسوز اجتماعی در دفاع از محیطزیست، نتیجه سیاستها و عملکردهای ضدانسانی حکومت اسلامی در تخریب محیطزیست است. رژیم اسلامی تنها قاتل مردم معترض در خیابانها، در زندانها و در پای چوبه های دار نیست؛ بلکه قاتل شریفترین انسانهایی همچون حمید مرادی هم هست که در دفاع از محیطزیست سالم برای شهروندان قربانی سیاستهای ضدانسانی این حکومت شده اند.

مردم مبارز سنندج با حضور در مراسم باشکوه خاکسپاری حمید مرادی بار دیگر اتحاد، همبستگی و همدلی باشکوهی در ادامه مبارزه برای یک زندگی انسانی را از خود به نمایش گذاشتند. محیطزیست سالم و یک زندگی شایسته انسان تنها با سرنگونی حکومت اسلامی ممکن است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مرداد ۱۴۰۴، ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵

با اعتصاب و مراسمهای باشکوه یاد جانباختگان آتشسوزی آبیدر را گرامی بداریم

جانباختن سه تن از فعالین محیطزیست در آبیدر سنندج موجی از غم و خشم و اعتراض را در میان مردم دامن زده است. همان گونه که در اطلاعیه قبلی خبر دادیم روز پنجشنبه ۲ مرداد بر اثر انفجار مهیب و آتشسوزی در ارتفاعات آبیدر تعدادی از فعالین محیطزیست در جریان مهار آتش زخمی شدند که متأسفانه سه تن از آنان بنام حمید مرادی، چیاکو یوسف نژاد و خبات امینی از فعالین محیطزیست در جریان مهار آتش به شدت زخمی شدند و در روزهای بعد جان باختند.

حزب کمونیست کارگری یکبار دیگر جانباختن این عزیزان را به خانوادهها و دوستان و همه مردم تسلیت می گوید. اعتراض و خشم مردم از این فاجعه علیه مسئولین که هیچ امکاناتی برای مقابله با رویدادهایی نظیر این آتشسوزی در اختیار فعالین محیطزیست قرار نداده اند، کاملاً بجاست و باید وسیعاً از آنها حمایت کرد.

در این میان استاندار کردستان در هراس از بالاگرفتن خشم و اعتراض مردم دوروز عزای عمومی اعلام کرده است. جواب مردم کردستان به این فراخوان دادخواهی و اعتراض به حکومتی است که باعث ویایی نابودی محیطزیست و زندگی مردم است. پاسخ مردم دست کشیدن از کار و برپائی مراسمهای یادبود در بزرگداشت عزیزی است که به خاطر بی اعتنائی و بی مبالائی حکومت در پاسداری از محیطزیست جان خود را از دست داده اند.

فراخوانهایی به اعتصاب عمومی در سنندج و کردستان توسط فعالین محیطزیست برای بزرگداشت این جانباختگان و اعتراض به مسئولین

همکاران و دوستانش تسلیت می گوید و انزجار خود را علیه مدیران و نهادهای حکومتی به خاطر نحوه برخورد با زندگی کارگران، ابراز می دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مرداد ۱۴۰۴، ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۵

ادامه اعتراضات علیه قطعی های آب و برق و اخباری دیگر

اعتراضات علیه قطعی های مکرر آب و برق ادامه دارد. پرستاران از خدمات قطعی های آب و برق بر زیر ساختهای بهداشتی درمانی و مشکلات بیشتر کاری خود در این رابطه سخن می گویند. روز هشتم مردادماه در پی مشکلات آب در منطقه پلدشت، مردم تجمع کرده و به نشانه اعتراض جاده مرگنر به پلدشت را بستند. در این روز همچنین اهالی روستای اتابه تنیان، شهرستان صومعه سرا تجمع داشتند. روز قبل از آن نیز جمعی از اهالی و صنعتگران چهاردانگه در استان تهران به دلیل بی برقی مقابل اداره برق تجمع داشتند. علاوه بر قطعی های متناوب آب و برق مازوتسوزی در تمامی نیروگاههای کشور نیز ادامه دارد و هوای مسموم و آلوده نیز جان مردم را به خطر انداخته است. این در حالی است که مردم از برخورداری از هر گونه تسهیلاتی برای مقابله با این مصائب آن هم در گرمای سوزان تابستانی محروم اند. امروز شعار "آب برق زندگی، حق مسلم ماست" به یک شعار سراسری مردمی در اعتراضات خیابانی تبدیل شده است.

امروز نهم مردادماه اعضای تعاونی مسکن پردیس غرب مهرآرا در مقابل استانداری زنجان، تجمع کردند. پروژه های مسکن ملی و بلاکشیدن اندوخته های مردم بدون اینکه مسکنی در کار باشد اعتراضات بسیاری در شهرهای مختلف را به دنبال داشته است.

روز گذشته هشتم مردادماه نیز گروهی از رانندگان کامیون در شهرستان بناب در اعتراض به کمبود سوخت، گرانی گازوئیل و توزیع ناعادلانه بار، مقابل اداره حمل و نقل این شهرستان تجمع کردند. اینها موضوعات اعتراضی رانندگان کامیون در سطح سراسری است که به خاطر آن اعتصاب قدرتمندی قبل از جنگ نظامی جمهوری اسلامی و اسرائیل داشتند و در دو هفته اخیر در شهرهای مختلف بر سر خواستهایشان تجمع و اعتراض داشته اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ مرداد ۱۴۰۴، ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۵

به مناسبت جانباختن حمید مرادی فعال زیست محیطی



بنا به اخبار منتشر شده روز پنجشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۴ بر اثر انفجار مهیب و سپس آتشسوزی در ارتفاعات کوه آبیدر تعدادی از فعالین

این مراسم‌ها دارند.

روز سه‌شنبه ۷ مرداد صدها نفر از مردم مبارز شهر سقز با برگزاری مراسمی در گرامیداشت یاد جان‌باختگان آبپدر در پارک مولوی این شهر و با قرائت پیام و خواندن سرود یاد این عزیزان را گرامی داشتند.

مردم مبارز شهرهای کردستان!

شما مردم آزاده بارها به مناسبت‌های مختلف در سراسر شهرهای کردستان در یک صف متحد و همبسته صحنه‌های باشکوهی از اتحاد مبارزاتی خود را به نمایش گذاشته‌اید. می‌توان و باید از الگوی همبستگی شهر سقز در گرامیداشت یاد فعالین محیط‌زیست پیروی کرد و به استقبال برگزاری مراسم‌های مشابه در تک‌تک شهرهای کردستان رفت. با سخنرانی‌ها، دادن پیام‌ها، خواندن شعر و سرود، فضای اعتراضی در کردستان علیه بانیان و مسببین اصلی گرفتن جان این عزیزان، خشم اعتراضی خود در این مراسم‌ها را صدچندان کنیم.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۸ مرداد ۱۴۰۴، ۳۰ جولای ۲۰۲۵

اطلاعیه کمیته بین‌المللی علیه اعدام

در محکومیت اعدام مهدی حسنی

و بهروز احسانی اسلاملو

خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی، روز یک‌شنبه ۵ مرداد از اعدام دو زندانی سیاسی، مهدی حسنی و بهروز احسانی اسلاملو، خبر داد. این اعدام‌های جنایت‌کارانه باید با اعتراض جدی و یکپارچه مواجه شوند. نباید اجازه دهیم جمهوری جنایت‌کار اسلامی با گرفتن جان انسان‌ها، عمر ننگین خود را تمدید کند.

این دو زندانی سیاسی با اتهاماتی چون عضویت در سازمان مجاهدین خلق، «بعی» و «برهم‌زدن امنیت عمومی» به اعدام محکوم و در سکوت اعدام شدند؛ درحالی‌که همه ما می‌دانیم در جمهوری اسلامی دادرسی عادلانه وجود ندارد و احکام اعدام با انگیزه سیاسی و هدف سرکوب جامعه صادر می‌شود.

در شرایطی که جمهوری اسلامی بیش‌ازپیش در تنگنای خشم مردم گرفتار آمده، این اعدام‌ها تلاشی مذبح‌خانه برای ایجاد وحشت و جلوگیری از خیزش‌های مردمی است.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام ضمن محکوم کردن این جنایت، با خانواده و بستگان این دو زندانی سیاسی ابراز همدردی می‌کند. ما در سوگ هر زندانی سیاسی که به دست این رژیم جانی اعدام می‌شود، مصمم‌تر و متحدتر خواهیم شد تا این جنایت‌کاران تشنه خون مردم را از قدرت ساقط کنیم.

بباید هم‌صدا شویم و با تمام توان برای آزادی فوری و بی‌قیدوشرط زندانیان سیاسی و عقیدتی، توقف کامل اعدام‌ها و لغو مجازات ضدانسانی اعدام به میدان بیابیم. جمهوری اسلامی در برابر مردم متحد، چاره‌ای جز عقب‌نشینی ندارد.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

۵ مرداد ۱۴۰۴ - ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۵

از مونیخ تا آینده ایران: اعدام، هرگز!

در کنفرانسی که اخیراً از سوی نیروهای طرف‌دار پادشاهی و با حضور رضا پهلوی در مونیخ و به تاریخ ۴ مرداد برگزار شد، یکی از سخنرانان اعلام کرد که خامنه‌ای را پس از سرنگونی جمهوری اسلامی، با جرقه‌ی و در ملأعام اعدام خواهند کرد. وی با استناد به رنج خانواده‌های دادخواه، ادعا

داده شده است. حزب کمونیست کارگری از این فراخوان‌ها حمایت می‌کند و همه مردم را به دست کشیدن از کار و شرکت گسترده در مراسم یادبود عزیزان جان‌باخته و گردهمائی‌های اعتراضی اعلام شده به این مناسبت فرا می‌خواند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مرداد ۱۴۰۴، ۲۸ جولای ۲۰۲۵

مردم سنندج یاد عزیزان جان‌باخته محیط‌زیست را گرامی می‌دارند!

روز پنجشنبه ۲ مرداد ۱۴۰۴ بر اثر انفجار مهیب و سپس آتش‌سوزی در ارتفاعات کوه آبپدر تعدادی از فعالین محیط‌زیست "شنه نوژین کردستان" در جریان مهار آتش زخمی شدند که متأسفانه حمید مرادی، چیاکو یوسف‌نژاد و خبات امینی از فعالین محیط‌زیست و محبوب مردم در جریان مهار آتش جان باختند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران فقدان این عزیزان را به خانواده‌ها و دوستان آنان و مردم مبارز کردستان تسلیت می‌گوید و به مردم آزاده و انقلابی شهر سنندج برای حضور گسترده در مراسم گرامیداشت سه فعال محبوب محیط‌زیست درود می‌فرستد. این تجمعات هم برای ادای احترام به این عزیزان بود و هم بیان خشم و نفرت علیه حکومتی که باعث‌وبانی ازین‌رفتن جان این انسان‌های شجاع و فداکار، بانی نابودی زندگی مردم و عامل نابودی طبیعت و محیط زندگی مردم است.

مردم آزاده و انقلابی سنندج را فرا می‌خوانیم که در مراسم‌هایی که در روزهای آینده در گرامی‌داشت این جان‌باختگان برپا می‌شود وسیعاً شرکت کنند. شهر را تعطیل کنند و بزرگ‌ترین مراسم‌ها را سازمان دهند. از مردم سایر شهرها نیز انتظار می‌رود خود را به این مراسم‌ها برسانند، به این عزیزان ادای احترام کنند و خشم و نفرت خود را علیه مسببین واقعی همه فجایعی که علیه مردم و علیه طبیعت صورت می‌گیرد نشان دهند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۶ مرداد ۱۴۰۴، ۲۸ جولای ۲۰۲۵

سنندج را تنها نگذاریم

پیش به سوی مراسم‌های باشکوه جان‌باختگان

به دنبال جان‌باختن سه فعال محیط‌زیست، حمید مرادی، چیاکو یوسف‌نژاد و خبات امینی، خشم و انزجار عمومی مردم ابعاد وسیع‌تری به خود گرفته است. در جریان مراسم خاک‌سپاری این عزیزان مردم سنندج به نحو شایسته‌ای شرکت کرده و یاد آنان را گرامی داشتند.

مردم سنندج همچنان داغدار غم از دست دادن عزیزان جان‌باخته هستند. برگزاری مراسم‌های باشکوه بر مزار آنان با شرکت وسیع مردم شهر سنندج و حسن‌آباد جلوه‌های به‌یادماندنی از اتحاد و همدلی و اعلام انزجار علیه نهادهای حکومت اسلامی بود. کاربه‌دستان حکومت که بانی و مسبب اصلی این واقعه دردناک بودند، تلاش کردند با اعلام "دو روز عزای عمومی" نقش مخرب و ویرانگر خود از این واقعه دردناک را پاک کنند.

باید فریاد اعتراض خود علیه بانیان این جنایت را صدچندان کرد. باید در مراسم‌های بزرگداشت این عزیزان که در روزهای آینده برگزار می‌شود با تمام قدرت شرکت کرد، شهر را تعطیل کرد و به مراسم رفت. انجمن‌ها و نهادهای محیط‌زیست، فعالین کارگری، فعالین دفاع از حقوق زنان، خانواده‌های دادخواه، جمع‌ها و گروه‌های کوهنوردی، ورزشکاران و جوانان محلات نقش مهمی در سازماندهی هر چه گسترده‌تر و باشکوه‌تر

بازداشت مجدد چهار زندانی سیاسی در سمیرم و تأیید احکام سنگین توسط دیوان عالی کشور



کمیته بین‌المللی علیه اعدام مطلع شده است که فاضل بهرامیان و مه‌رام بهرامیان، دو زندانی سیاسی اهل سمیرم که پیش‌تر با قرار وثیقه سنگین به طور موقت آزاد شده بودند، مجدداً توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت شده‌اند. بر اساس گزارش‌های موثق، حکم اعدام صادره علیه این دو زندانی سیاسی در شعبه نهم دیوان عالی کشور تأیید شده و اکنون به جریان افتاده است.

هم‌زمان، یونس بهرامیان و داریوش ساعدی، از دیگر زندانیان سیاسی در سمیرم علیاً که پیش‌تر در ارتباط با جنبش «زن، زندگی، آزادی» بازداشت و با قرار وثیقه آزاد شده بودند، نیز بار دیگر توسط مأموران امنیتی دستگیر و هر یک به ۱۶ سال حبس تعزیری محکوم شده‌اند.

طبق اطلاعات دریافتی کمیته، مأموران امنیتی با حضور در محل دادگستری و بدون اطلاع قبلی، این افراد را با روش‌هایی غیرقانونی و برخلاف اصول دادرسی عادلانه، بازداشت کرده و به مکان نامعلومی منتقل کرده‌اند. این در حالی است که هر چهار زندانی ماه‌ها در بازداشت به سر برده و در انتظار رسیدگی منصفانه به پرونده‌هایشان بودند.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام ضمن ابراز نگرانی شدید نسبت به وضعیت این چهار زندانی سیاسی، خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط آن‌ها و رفع تمامی اتهامات وارده است.

ما مردم مبارز و آزادی‌خواه در شهر سمیرم و سراسر کشور را فراموش نکنیم که در برابر این ظلم آشکار سکوت نکنند، و با هر شکل ممکن از اعتراض برای آزادی این زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام زندان تلاش کرده و جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذارند.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

۹ مرداد ۱۴۰۴ - ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۵



کرد که وظیفه حلق‌آویز کردن خامنه‌ای با جرئت‌فروشی را باید به آنان سپرد. او همچنین از چیزی به نام «خشونت عقلانی و کنترل‌شده» دفاع جانانه‌ای به عمل آورد. اظهارات این سخنران نه فقط با مخالفت کسی روبرو نشد؛ بلکه با تشویق و کف‌زدن حضار نیز همراه بود. چنین مواضعی با اعدام در ملا عام و قصاص مجرمین به دست صاحبان دم که مبنای کشتارهای جمهوری اسلامی است تفاوت چندانی ندارد.

کمیته بین‌المللی با صدایی رسا مخالفت قاطعانه خود را با سخنران این سخنران و همچنین همراهی شرکت‌کنندگان در این همایش در حمایت از مجازات اعدام اعلام می‌دارد. ما با اعدام به هر دلیل و برای هر جرمی و حتی اعدام جنایت‌کاری همچون خامنه‌ای مخالفیم. روشن است که در صورت آغاز اعدام جنایت‌کاری چون علی خامنه‌ای، این روند به همین موارد محدود نخواهد ماند. همان‌گونه که جمهوری اسلامی پس از اعدام افرادی چون نصیری و هویدا، به کشتار ده‌ها هزار نفر از مخالفان خود روی آورد.

افزون بر این دفاع از اعدام، تحت عنوان «دادخواهی»، عملاً دشمنی با جنبش دادخواهی در ایران است - جنبشی که هدف آن نه انتقام‌جویی، بلکه آشکارساختن حقیقت جنایات جمهوری اسلامی، برگزاری محاکمه‌های عادلانه برای همه آمرین و عاملین مستقیم و غیرمستقیم جنایات رژیم اسلامی، و جلوگیری از بازتولید خشونت دولتی در آینده ایران است.

چنین اظهاراتی در «همایش همکاری نجات ایران» در مونیخ حتی از همایش کمابیش مشابهی در مونیخ در فوریه ۲۰۲۵ که در بیانیه آن حتی کوچک‌ترین اشاره‌ای به موضوع لغو اعدام یا ممنوعیت آن نشده است عقب‌مانده‌تر و ارتجاعی‌تر است. پادشاهی خواهان از سکوت علیه اعدام به اعدام با جرئت‌فروشی «ارتقا» پیدا کرده‌اند! و این در حالی است که مخالفت با مجازات اعدام یکی از مطالبات کلیدی و فراگیر مردم ایران، به‌ویژه در جریان انقلاب «زن، زندگی، آزادی» بوده و جنبش گسترده‌ای حول آن شکل گرفته است.

همچنین، نیروهای طرفدار سلطنت، از جمله یاسمین پهلوی، بارها تلاش کرده‌اند دامنه جنبش دادخواهی را به سال‌های اخیر محدود کنند و از پرداختن به جنایات دهه شصت جمهوری اسلامی طفره روند - دهه‌ای که طی آن، هزاران فعال چپ، کمونیست و مجاهد اعدام شدند. این حذف تاریخی با شعار «مرگ بر سه فاسد: ملا، چپی، مجاهد» همراه است و هم‌سواست.

ما در کمیته بین‌المللی علیه اعدام از همه نیروهای مخالف جمهوری اسلامی دعوت می‌کنیم که صریح و بدون لکت‌زبان، مخالفت خود را با مجازات شنیع اعدام - در هر شکل، به هر دلیل و برای هر جرمی - اعلام کنند و از جنبش مردمی «نه به اعدام» در ایران حمایت نمایند. تنها با اتخاذ چنین موضعی روشن و اصولی می‌توان از بازگشت دوباره اعدام در فرای سرنگونی جمهوری اسلامی جلوگیری کرد.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام

۹ مرداد ۱۴۰۴ - ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۵



از خوزستان چه خبر؟

اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۳- ۱۰ مرداد ۱۴۰۴

جمعه ۱۰ مرداد:

- کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام هفتاد و ششمین هفته خود را در ۴۷ زندان کشور از جمله در زندان‌های شبیان و سپیدار (بند زنان و مردان) در اهواز و زندان بهبهان در خوزستان پشت سر گذاشت.

- فروغ خسروی، معلم ساکن بهبهان، روز سه‌شنبه ۷ مردادماه با حمله مأموران اطلاعات سپاه خوزستان به منزل خود، بازداشت شد. بنا بر گزارشات مأموران اطلاعات سپاه ساعت دو و نیم بعدازظهر این روز ناگهانی به منزل او رفته و یا تفتیش، وارد خانه‌اش شده و علاوه بر بازداشت وی، لوازم الکترونیکی او شامل تلفن همراه و کامپیوتر را نیز توقیف کردند.

- مسعود جامعی زندانی سیاسی به دو بار اعدام محکوم شده است. او در زندان تحت شکنجه بوده و خانواده‌اش را نیز بازداشت کردند. مسعود جامعی با بیماری سرطان و شرایط وخیم جسمی، از درمان محروم مانده است. واحد خوزستان کمیته سازمانده بر لغو فوری حکم اعدام مسعود جامعی و آزادی بدون قیدوشرط وی و همه زندانیان سیاسی تأکید دارد.

- قطعی‌های برق به دو و یا سه بار در روز افزایش یافته است! خاموشی‌های شبانه نیز به برنامه روزانه قطعی‌های برق اضافه شده است. این در حالی است که شهرهای این استان در لیست گرم‌ترین شهرهای جهان قرار گرفته و بالای ۵۰ درجه و شرجی هفتاد درصد است.

قطعی برق در مناطق گرمسیر از جمله در خوزستان نمونه‌ای از شکنجه و سرکوب زندگی مردم است و با هیچ دروغ و توجیهی قابل قبول نیست و مردم معترض‌اند و یقه حکومت را می‌گیرند که هزاران میلیارد صرف سایت‌های هسته‌ای و جنگ‌افروزی‌هایش کرده است. قطعی‌های برق بازی با جان و زندگی مردم است.

دوشنبه ۶ مرداد:

سد گتوند بزرگ‌ترین پروژه سدسازی ایران است که از نظر محیط زیستی مشکلات بسیار دارد. این سد بر روی رودخانه کارون در استان خوزستان ساخته شده و در سال ۹۰ آنگیزی شده است. یک مشکل اصلی آن نزدیکی‌اش به گنبد نمکی گچساران است. موضوعی که زمین‌شناسان و اساتید دانشگاه بارها نسبت به آن هشدار داده و تأکید کرده‌اند که اگر این سد آب‌گیری بشه، نمک گنبد در آب حل می‌شود و نتیجه آن شوری زمین‌ها و نابودی کشاورزی پایین‌دست خواهد بود. اما همه این هشدارها نادیده گرفته شده و سد را ساختند. نتیجه اینکه اکنون آب این سد پنج برای آب خلیج فارس شور است. زمین‌های پایین‌دست کشاورزی در حال نابودی هستند. آب رود کارون نیز از قبل شورتر شده است و این آب دیگر به درد کشاورزی و نوشیدنی نمی‌خورد.

- یکشنبه ۵ مرداد:

- اخبار در همه‌جا حاکی از خشک شدن آب رودخانه‌ها و تالاب‌ها در نتیجه سیاست‌های مخرب زیست محیط چپاولگران حاکم است. از جمله خبر خشک شدن تالاب "برم شور"، جاده هفتکل - باغملک در خوزستان نیز خشکید.

شنبه ۴ مرداد:

در این تابستان امیدیه و دیگر شهرهای خوزستان بارها رکورد جهانی گرما را هم رد کرده‌اند و به بالای ۵۰ درجه رسیده است. تصاویر

- طبق گزارش وزارت آموزش و پرورش در ایران بیش از ۱۱۲ هزار مدرسه با حدود ۵۳۴ هزار کلاس درس وجود دارد. در این مدارس ۶۵۰ هزار نفر به‌عنوان کادر مدیریتی و آموزشی مشغول بکار هستند که ۵۵۰ هزار نفر آنان معلمان هستند. با احتساب ۱۶ میلیون جمعیت دانش‌آموزی، در حال حاضر برای حدود هر ۳۰ دانش‌آموز یک معلم وجود دارد که استاندارد آن یک معلم به از ۲۰ دانش‌آموز است؛ بنابراین گزارشات آموزش و پرورش نیازمند استخدام ۱۲۰ هزار معلم جدید است و در حال حاضر با کمبود معلم در بسیاری از استان‌ها مواجهیم. بعد از تهران و البرز خوزستان بیشترین کمبود معلم را دارد. این در حالی است که معلمان بسیاری به‌صورت حق‌التدریسی کار می‌کنند و یک مطالبه آنها استخدام رسمی در آموزش و پرورش است.

پنجشنبه ۹ مرداد:

- کارگران کارخانه فولاد پارس هفت‌تپه با اشاره به پرداخت نشدن بخشی از حقوق خرداد و حقوق کامل تیرماه، بر پرداخت فوری مطالبات معوقه و بهبود وضعیت کارخانه تأکید کردند. در حال حاضر حدود ۱۵۰ کارگر در این کارخانه مشغول به کار هستند. به گفته کارگران تأخیر مداوم پرداخت دستمزدها به بهانه کمبود منابع مالی به روالی معمول در این کارخانه تبدیل شده است. مشکلات جدی در حوزه معیشت، درمان و مسکن برای آنان ایجاد کرده است.

- ایران، داغ‌ترین نقطه زمین شد و طبق آخرین داده‌های ثبت شده این روز شهر امیدیه در استان خوزستان با دمای ۵۱ درجه سانتی‌گراد و نیز آبادان، اهواز و دزفول (صفی‌آباد) عنوان داغ‌ترین نقطه کره زمین را در ۲۴ ساعت گذشته به خود اختصاص داد!

چهارشنبه ۸ مرداد:

- با تداوم گرمای هوا، ۱۲ استان از جمله خوزستان تحت عنوان ضرورت مدیریت مصرف انرژی و حفظ سلامت عمومی تعطیل هستند.

درحالی که شهرهای خوزستان در صدر شهرهای گرم جهان قرار دارند و آلودگی هوا بیداد می‌کند مردم بدون دسترسی به هرگونه تجهیزات سرمایشی با گرمای سوزان تابستانی و قطعی‌های آب و برق دست به گریبان‌اند. گزارشات از مرگ انسان‌ها به‌خاطر گرما خبر می‌دهند و تنها اقدام حکومت که خود عامل چنین تخریب جنایت‌کارانه‌ای در محیط‌زیست است، اعلام تعطیلی شهرها است. حکومت کل جامعه را فلج کرده است.

- ۹ کارگر شرکت "لرزه‌نگار موج اروند" حین انجام کار لرزه‌نگاری در باتلاق «خور سنگی» به دلیل خرابی دستگاه باتلاق‌پیما، بدون آب و غذا گرفتار شدند و طبق گزارشات یکی از کارگران پس از انتقال به بیمارستان بر اثر فشار گرما و تحمل بی‌آبی جان باخت. بدین ترتیب عدم ایمنی محیط کار آن‌هم در گرمای سوزان خوزستان و به‌خاطر بی‌آبی جان کارگر دیگری را گرفت.

سه‌شنبه ۷ مرداد:

۱۸ شغل غیرمستقیم در دیگر بخش‌های اقتصادی کشور ایجاد می‌شود. بدین ترتیب، تهدید صنعت فولاد، نه یک تهدید بخشی، که یک تهدید فراگیر و سراسری است. در فولاد خوزستان پرداخت حقوق و مزایای کارگران و امنیت شغلی کارگران به خطر افتاده است و این وضعیت فضایی از اعتراض در این کارخانه و صنایع فولاد ایجاد کرده است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۱۰ مرداد ۱۴۰۴ / ۱ اوت ۲۰۲۵



اخبار خوزستان

غم‌انگیزی از مرغداری‌ها، نانواپی‌ها، رستوران‌ها.. به خاطر گرمای شدید و در کنار آن قطعی‌های برق و آب را در مدیای اجتماعی می‌بینیم. در جایی مثل امیدیه هوا آن‌چنان گرم است که شهروندی در مدیای اجتماعی ویدئوی گذاشت و به نشانه اعتراض گفت که آنها در آنجا بچه نوزاد را توی یخچال خاموش می‌گذارند تا حفظش کنند. چون گرما سوزان است و برق هم قطع.

جمعه ۳ مرداد:

- بحران برق و انرژی تولید شرکت فولاد خوزستان را به شدت محدود کرده و عملاً زنگ خطر فروپاشی تدریجی صنعت فولاد و صنایع وابسته را به صدا درآورده است. کاهش تولید و به تعطیلی کشیده شدن این کارخانه، نورد کاران را در پایین دست با کمبود مواد اولیه مواجه کرده است. به همین ترتیب، صنایع پایین دستی نظیر صنعت ساختمان، خودروسازی و لوازم خانگی نیز با اختلال در تأمین ورق و قطعات فولادی روبه‌رو شده‌اند و این معضل کارخانجات فولاد در سطح سراسری است و هرگونه وقفه در تولید فولاد، زنجیره‌ای از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را به راه می‌اندازد که بخش‌های مختلف اقتصاد کشور را در بر می‌گیرد. این وضعیت، شغل و معیشت کارگران را به خطر انداخته است و بیکارسازی‌ها را با خود همراه آورده و موجب کاهش شدید درآمد کارگران شده است. از جمله زغال‌سنگ، سنگ آهن، فروآلیاژ و الکتروگرافیتی، همه‌وهمه مواد اولیه‌ای هستند که در صورت افت تولید فولاد، تقاضای خریدشان کاهش یافته و معیشت هزاران شاغل در این بخش‌ها تحت الشعاع قرار می‌گیرد. طبق برآوردها، از هر شغل مستقیم در صنعت فولاد، دست کم

علیه قطع برق همه جا دست به اعتراض بزنیم!

رژیم در اوج درماندگی قرار گرفته است. ستون‌های حکومت یکی پس از دیگری فروریخته و ته دل همه مقامات کاملاً خالی شده است. وقت آن است که صفوفمان را متحدتر کنیم و به هر شکلی که می‌توانیم حکومت را همه‌جانبه زیر ضرب قرار دهیم. حکومت توان رویارویی همه‌جانبه با مردم متحد را ندارد، صفوفش کاملاً به هم ریخته و نیروهای سرکوبش نه روحیه سابق را دارند و نه توان مقابله گسترده با مردم.

هم اکنون در برخی شهرها و شهرک‌ها تجمعات اعتراضی و شعاردهی علیه قطع برق شروع شده است. این اعتراضات را گسترش دهیم و از پرداخت قبض‌های آب و برق و گاز خودداری کنیم. اینها اشکالی عملی از مبارزه توده‌ای برای متحد شدن و فلج کردن حکومت است. در هر شهر و محله‌ای متحدانه دست به اعتراض بزنیم و تصمیم بگیریم که هیچ قبضی را نپردازیم. این کار ضربه اقتصادی قابل توجهی به دزدان حاکم و کاهش فشار هر چند اندکی بر زندگی ما مردم است. حکومتی که جریان برق و گاز و آب مردم را نمی‌تواند تضمین کند جایش در زباله‌دان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

مسئول فنی: سروناز سینایی

milad_rabei@gmail.com



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیسی و از هر کشور دیگر:

انگلیسی:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

تماس از ایران

شهلا دانشفر: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

KANAL JADID
کانال جدید